آسیب‌شناسی حقوقی برگزاری مناقصات در ایران

تهمینه رحمانی[1] – نادر میرزاده کوهشاهی[2]

دریافت: ۱۳۹۴/۱۰/۲۴
پذیرش: ۱۳۹۴/۱۲/۲۲

چکیده

سالانه معاملات زیادی در قالب فرایند مناقصه و یا مزایده در دستگاه‌های دولتی و در راستای تأمین تدارکات عمومی و به منظور تحقق اهداف توسعه‌ای، زیرساختی، نگهداری و تعمیر، پشتیبانی و نظیر آن صورت می‌گیرد. خریدهای دولتی با به کارگیری ابزارهای مختلف مثل قوانین و مقررات مالی و معاملاتی و سایر قوانین ناظر بر تشریفات انجام خرید اعم از کالا و خدمات حاصل می‌شود که در ایران به قانون برگزاری مناقصات و در سایر نقاط جهان، به قانون تدارکات عمومی، شهرت یافته‌اند. در این مقاله تلاش شده است، نقاط قوت و ضعف قوانین و مقررات برگزاری مناقصات از جمله قانون برگزاری مناقصات مصوب ۱۳۸۳ مورد بررسی قرار گیرد. نتایج این تحقیق بیانگر این است که اجرای قانون برگزاری مناقصات، همواره با ایرادات و مشکلاتی همراه بوده و اصلاح فرایند برگزاری مناقصات ضروری و اجتناب‌ناپذیر است هرچند نقش مناقصه در مفاسد اقتصادی و وجوه مختلف آن، مؤکداً مورد بحث و بررسی کارشناسان و صاحب‌نظران حوزه مناقصات قرار گرفته، لیکن متأسفانه تاکنون هدف اولیه قانونگذار مبنی بر خلق یک ابزار

۱. دانش آموخته دوره دکترای تخصصی حقوق، گروه حقوق عمومی و بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات؛ tinrahmani@yahoo.com
۲. استادیار گروه حقوق عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران؛ mirzadeh@ut.ac.ir

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-20]

قانونی کارآمد برای ایجاد شفافیت و جلوگیری از بروز فساد در روند برگـزاری مناقصـات محقـق نشده است.

واژگان کلیدی: آسیب‌شناسی حقوقی، برگزاری مناقصات، خریدهای دولتی ، تدارکات عمومی.

مقدمه

قانون برگزاری مناقصات نتیجه و حاصل هفتمین ویرایش پیش‌نـویس آیـین‌نامـه تعیـین برنـده مناقصات است که توسط سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور تـدوین شـده بـود. در آن زمـان، برخی از کارشناسان معتقد بودند که این آیین‌نامه نباید به صورت قانون درآید؛ زیرا تغییـر قـوانین بسیار دشوار است، ولی آیین‌نامه‌ها می‌توانند با توجه به شـرایط پـروژه‌هـا در کشـور، دسـتخوش تغییرات سریع بشوند؛ اما استدلال مدافعان تبدیل آیـین‌نامـه تعیـین برنـده مناقصـات بـه قـانون برگزاری مناقصات در مجلس ششم آن بود که رتبه جهـانی ایـران از لحـاظ شـفافیت مناقصـات بسیار پایین است و وجود قانون برگزاری مناقصات، باعث بالا رفتن اعتبار کشـور در ایـن زمینـه می‌شود. علی‌رغم وجود قانون و آیین‌نامه‌های بسیار موشکافانه، نه تنها مناقصات شفاف‌تر نشـده، بلکه کدرتر هم شده است و این موضوع بسیار مهم بحث مقاله حاضـر اسـت. سـازوکار حقـوقی تنظیم فرایند مناقصه، توسط قوانین و مقررات مناقصه کـه در اقصـی نقـاط دنیـا، تحـت عنـوان مقررات تدارکات عمومی شهرت یافته انجام می‌شود. قانون برگـزاری مناقصـات مصـوب ۱۳۸۳، تصویب‌نامه هیأت وزیران مورخ ۱۳۸۷/۱/۷ ضمانت‌نامه کتبی جهت قراردادها، اصلاحیه آیین‌نامه اجرایی نظام مستندسازی و اطلاع‌رسانی مناقصات مصوب ۱۳۸۶، نصاب معاملات موضوع ماده ۳ قـانون برگـزاری مناقصـات مصـوب ۹۴، آیین‌نامـه اجرایـی بنـد (ج) مـاده ۱۲ قـانون برگـزاری مناقصات موضوع تصویب‌نامه هیأت وزیران مورخ ۱۳۸۵/۷/۵، آیین‌نامه اجرایی بند (الف) ماده ۲۶ قانون برگزاری مناقصات موضوع تصویب‌نامه هیأت وزیران مورخ ۱۳۸۵/۷/۵، آیین‌نامـه اجرایـی بند (هـ) ماده ۲۹ قانون برگزاری مناقصات موضوع تصویب‌نامه هیأت وزیـران مـورخ ۱۳۸۵/۷/۵، فهرست کالاهـای پیشـنهادی موضـوع بنـد ۲ تصـویب‌نامه مـورخ ۸۸/۳/۶ کـارگروه حمایـت از تولید موضوع تصویب‌نامه کمیسیون اصل ۱۳۸ قانون اساسی، قـانون الحـاق مـوادی بـه قـانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۸۴/۱۱/۲۷ ، قانون تنظیم بخشـی از مقـررات مـالی

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-20]

دولت مورخ ۱۳۸۰، به عنوان اهم قوانین تدارکاتی ایران محسوب می‌شوند. پروسه تنظیم قرارداد تدارکات عمومی یا نحوه برگزاری مناقصه (مسابقه انتخاب بهترین تأمین‌کننده و اعطای قرارداد تدارکات عمومی به آن)، رایج‌ترین شکل برون‌سپاری تمام یا بخشی از تأمین کالا و خدمات است که در چارچوب قوانین و مقررات مربوطه، تحقق می‌یابد. هدف از تحقق این فرایند، انتخاب «بهترین تأمین‌کننده» کالا یا خدمات با رعایت اصولی نظیر: شفافیت، برقراری نظام شایسته‌سالاری، ارزیابی بهترین کمیت و کیفیت و ... می‌باشد تا گزینش بهترین تأمین‌کننده (مناقصه‌گر) برای کارفرما یا دستگاه برگزار کننده مناقصه (مناقصه گزار) فراهم آید.

مسأله مهم در این پژوهش، بررسی ایرادات حقوقی قوانین و مقررات فعلی برگزاری مناقصات در ایران است. با شکل‌گیری پارادایم جدید خصوصی‌سازی و کوچک کردن دولت، مناقصه یا پروسه تأمین تدارکات، به عنوان ابزار کوچک‌سازی وظایف دولت مطرح شده است و شفاف‌سازی، رقابتی کردن و الکترونیکی نمودن مناقصات و رفع نواقص و ایرادات قانون فعلی برگزاری مناقصات در ایران، هم از فساد دولتی جلوگیری می‌کند و هم به تقویت بخش خصوصی می‌انجامد. در ایران نیز قانون اخیر مناقصات، مفاهیم جدیدی را مطرح کرده که با الگوی سنتی اداره امور دولتی مغایر است و اجرای کامل آن می‌تواند با افزایش نظارت گروه‌های ذینفع بر معاملات دولتی و با اهمیت دادن به پاسخگویی دولت در قبال بخش خصوصی، ریسک معاملات و در نتیجه هزینه‌های مستقیم و غیرمستقیم دولت را کاهش دهد. قوانین و مقررات فعلی برگزاری مناقصات در ایران، به دلیل نسخ ده‌ها قانون، آیین‌نامه و تصویب‌نامه که سال‌ها ناظر به برگزاری مناقصات در وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، مؤسسات دولتی و عمومی، شرکت‌های دولتی و نهادها بوده است، از اهمیت زیادی برخوردار است. در بازار خریدهای دولتی، حجم قابل توجهی از منابع مالی داد و ستد گردیده و در رشد و زایش کسب و کارهای بخش خصوصی، رسالتی خطیر دارد.

سازوکار قانونی حاکم بر فرایند برگزاری مناقصات و اجرای آن توسط دستگاه‌های مجری و نظارت بر آن، همگی پیش درآمدی برای تنظیم بازار خریدهای دولتی است. متأسفانه قانون برگزاری مناقصات مصوب سال ۱۳۸۳، نتوانسته کارایی لازم را برای تضمین اصول استاندارد حقوقی و پذیرفته شده از خود، در امر مناقصات نشان دهد. خلأها و ایرادات این قانون، موجب اشاعه و توسعه زمینه‌های بروز فساد در امر مناقصات گردیده است. مسأله بنیادین در تحقیق

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-20]

حاضر، شناسایی نقاط ضعف فرایند واگذاری خدمات و کالا (مقررات و تشریفات مناقصه‌های دولتی) است. این پژوهش حاصل مجموعه‌ای از مطالعات کتابخانه‌ای به منظور آشنایی و تجزیه و تحلیل مشکلات و کاستی‌ها و نارسایی‌ها در حوزه مناقصات است. همچنین مقالات و کتب مرتبط با موضوع نیز مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. مطالب طرح شده در این مقاله را در قالب ۵ فصل ارائه خواهیم نمود. فصل اول، در باب تشریح مفاهیم، مبانی تدارکات عمومی (حقوق مناقصات) همچنین تحلیل حقوقی ایرادات وارده بر برگزاری مناقصات در ایران در فصل‌های دو، سه، چهار و پنج براساس نوع موضوع طبقه‌بندی و مورد آسیب‌شناسی حقوقی واقع گردیده است. امید است با اصلاح قانون برگزاری مناقصات مصوب ۱۳۸۳ کاهش نقش دولت در اقتصاد، انحصارزدایی، گسترش فضای رقابتی میان تأمین‌کنندگان و ایجاد سازوکارهای بازاری در تخصیص منابع و اشاعه امر شفاف‌سازی که نیازمند مستندسازی و اطلاع‌رسانی دقیق است، از گسترش زمینه‌های بروز فساد در برگزاری مناقصات ایران، پیشگیری شود.

فصل اول: مفاهیم و مبانی (خریدهای دولتی) تدارکات عمومی

مناقصه، فرایندی است که برای ایجاد رقابت بین تأمین‌کنندگان خدمت یا کالای خاص در سطح بازار خریدهای دولتی، صورت می‌گیرد. به عبارت دیگر، برگزاری مناقصه ورود به رقابتی مشخص در نظام خاص حقوقی، مالی و فنی است و با برگزاری آن و اجرا کردن مقررات آن می‌توان به بهترین نوع خدمت در جهت تأمین کالا رسید. در اکثر کشورها سازمان‌های دولتی خریدار بخش عظیمی از کالاها و خدمات هستند. دولت بزرگ‌ترین گروه مشتری در بسیاری از کشورهاست؛ مثلاً در ایالات متحده آمریکا در حدود ۳۰ درصد تولید ناخالص داخلی توسط بخش‌های مختلف دولتی به مصرف می‌رسد. سازمان‌های دولتی از فروشندگان می‌خواهند تا در مناقصه‌ها شرکت نمایند (علیخانی، ۱۳۷۸: ۴۷). قانون مناقصه علاوه بر تأمین کیفیت مطلوب در فضای رقابتی، به دنبال آن است تا دولت قرارداد خرید دولتی (تدارکات عمومی) را با شخصی که کمترین قیمت متناسب را پیشنهاد کرده، منعقد کند. دستگاه‌های اجرایی موظفاند معاملات خود را از طریق مناقصه (جهت خرید) و مزایده (جهت فروش) انجام دهند. در این بخش، به تحلیل مفاهیم منبعث از تدارکات می‌پردازیم.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-20]

۱-۱. مفهوم مناقصه (تدارکات)

با توجه به اینکه اصطلاح مناقصه به جای تدارکات، در ادبیات حقوقی ما قوام یافته، ضروری است کمی به تشریح این مفهوم بپردازیم، مناقصه در نظام حقوقی ایران، چنین تعریف شده است: «خرید مال یا اموال معین از طرف مأمور رسمی به کمترین قیمتی که از طرف فروشندگان پیشنهاد می‌شود و همچنین هرگاه مورد مناقصه انجام عمل باشد» (جعفری‌لنگرودی، ۱۳۷۰: ۶۹۰). همچنین، مناقصه را برخی از اساتید حقوق عمومی چنین تعریف کرده‌اند: «مناقصه ترتیبی است که در آن سازمان‌های عمومی تهیه یا تحصیل یا خرید کالا یا خدمت مورد نیاز خود را به رقابت و مسابقه می‌گذارند و با اشخاص حقیقی یا حقوقی که کمترین قیمت یا مناسب‌ترین شرایط را پیشنهاد می‌کنند، معامله می‌نمایند» (انصاری، ۱۳۸۷: ۱۱۸ و نیز طباطبائی مؤتمنی، ۱۳۷۳: ۳۳۶– ۳۴۴). در بند (الف) ماده دو قانون برگزاری مناقصات[1] مصوب ۱۳۸۳، مناقصه را چنین تعریف کرده است: فرایندی است رقابتی برای تأمین کیفیت مورد نظر (طبق اسناد مناقصه) که در آن تعهدات موضوع معامله به مناقصه‌گری که کمترین قیمت متناسب را پیشنهاد کرده باشد، واگذار می‌شود». در زبان انگلیسی واژه Tender برای مناقصه و مزایده استعمال می‌شود (آریانپور کاشانی، ۱۳۷۹: ۲۸۵). با این وصف به نظر می‌رسد که تعریف‌های پیش‌گفته، هیچ‌یک قابلیت تبدیل‌شدن به یک تعریف عام را ندارند؛ چرا که در برخی از آن‌ها، مناقصه فقط به فرایندی تعریف شده است که از سوی مأمور رسمی دولت، انجام می‌پذیرد. وجود الزام قانونی دولت برای انتخاب متعاقد از طریق مناقصه، مختص بدنه دولتی نیست و در پاره‌ای موارد بخش خصوصی نیز ناچار به برگزاری فرایند تدارکات جهت انتخاب طرف خود است. در کشور ما با اعمال سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی، اهمیت بخش خصوصی پس از واگذاری بخشی از صنایع بزرگ از سوی دولت به شدت افزایش یافته است. منطق و دلیل پنهان خفته در پس برگزاری فرایند تدارکات، چنان جذاب و فریباست که امروزه آن را مبدل به روشی نموده است که فعالان بخش خصوصی را علاقه‌مند به خود نموده است و حتی در مواردی به یک روش الزامی

---

۱. قانون برگزاری مناقصات مصوب مورخ ۱۳۸۳/۱/۲ مجلس شورای اسلامی و مورخ ۱۳۸۳/۱۱/۳ مجمع تشخیص مصلحت نظام

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-20]

برای بخش خصوصی مبدل شده است. این رویکرد در شرکت‌های سهامی عام که دارای سهام‌داران متعدد و بعضاً خردی است که حقوق ناشی از سهام آنها آن‌قدر مؤثر نیست که بتوانند اعمال مدیران را به دقت بررسی و در نهایت رویکرد مناسب آنها را در خرید کالا یا خدمات به چرایی بکشانند، بسیار اطمینان‌بخش خواهد بود؛ چرا که این اطمینان را به سهام‌داران خرد خواهد داد که مدیران از یک روش نظام‌مند که در آن عنصر نفع شرکت و رقابت برای تحصیل برترین کالا یا خدمات وجود دارد، استفاده می‌نمایند. به علاوه بسیاری از شرکت‌های خصوصی به موجب آیین‌نامه‌های معاملاتی خود و با تأسی از نظریه‌های حاکمیت شرکتی و حقوق بورس، روش تحصیل کالا و خدمات را منحصر به برگزاری فرایند تدارکات سالم نموده‌اند (باقرزاده، ۱۳۹۲: ۱۲). از سوی دیگر، در دهه‌های اخیر تغییرات فراوانی در بازار تدارکات، ایجاد شده است. توسعه روزافزون فناوری اطلاعات، ابزارهای حمایتی را با امکانات تقریباً نامحدود برای انجام خریدهای دولتی فراهم نموده است. شناسایی بازارهای تأمین خارجی و حتی ارتباط با تأمین‌کنندگان خارجی رقابت برای تسخیر بازار تدارکات داخلی را نیز تحت تأثیر قرار داده است (علیخانی، ۱۳۷۸: ۴۲). اکنون دولت‌ها به دنبال کمک‌های بیشتری از بانک جهانی و سایر نهادهای توسعه‌ای می‌باشند و ارزیابی عملکرد تدارکاتی کشور، کار را برای سیاست‌گذاران و ذینفعان بخش خصوصی سخت کرده است. بانک جهانی، به کشورها کمک می‌کند تا برنامه‌های اصلاح تدارکات خود را برای افزایش رقابت‌پذیری براساس شاخص عملکرد تدارکات توسعه دهند (خیرخواهان،۱۳۹۰: ۱). بازار تدارکات ضعیف، مانع دستیابی به فناوری‌های جدید و دانش فنی می‌شود و نرخ رشد بهره‌وری اقتصادی را کاهش می‌دهد. برعکس، افزایش تجارت باعث خلق تقاضا برای تدارکات خوب می‌گردد و در جهت انجام اصلاحات تسهیل‌کننده و حفظ بازار برای خدمات جدید فشار می‌آورد. به علت تغییرات ساختاری ناشی از تمرکززدایی و (تأمین مالی از بیرون) در دولت‌های امروز و همچنین نیاز به خدمات جدید، حجم کل خریدهای دولتی در حال افزایش است. طبق گزارش سازمان تجارت جهانی، دولت‌ها مقادیر هنگفتی کالا و خدمات تحصیل می‌کنند. این امر بدان معناست که در بازار تدارکات در سطح جهان، سالانه متجاوز از ۱۰۰۰ میلیارد دلار آمریکا، داد و ستد انجام می‌شود.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-20]

۲-۱. تاریخچه خریدهای دولتی در ایران

در ماده ۲۳ قانون محاسبات عمومی ایران مصوب سال ۱۲۸۹ و نیز به عنوان نخستین قانون در زمینه تنظیم برگزاری مناقصات و انجام معاملات دولتی در ایران، گفته شده بود که تمام معاملات دولتی از خرید و فروش و اجاره و استیجار و مقاطعه و غیره باید به اطلاع عموم و به ترتیب مزایده و مناقصه صورت پذیرد. (قراباغی، ۱۳۸۶: ۲۷-۲۶)

سپس قانون محاسبات عمومی کشور در ۱۳۴۹/۰۹/۱۵ تصویب شد که شروع اجرای ان از ۱۳۵۰/۰۱/۰۱ بود. طبق ماده ۷۳ آن قانون توصیه شده بود، شرکت‌های دولتی مکلف‌اند آیین‌نامه معاملات خود را براساس ضوابط مندرج در قانون محاسبات عمومی کشور، تنظیم و طبق اساسنامه قانونی خود ظرف یک‌سال به تصویب مراجع صلاحیتدار برسانند. همچنین در تبصره‌های این ماده، برخی دستگاه‌ها از شمول ماده ۷۳ خارج گردیدند. در نتیجه اجرای این ماده، شرکت‌های دولتی از قانون آیین‌نامه معاملات دولتی مصوب ۱۳۴۹ مستثنی شدند و آیین‌نامه معاملات آنها بر پایه اساسنامه‌های آنها تنظیم می‌گردید و این امر موجب پیدایش تعداد زیادی آیین‌نامه معاملاتی گردید.

بار دیگر، با تصویب قانون برنامه و بودجه در دهم اسفند ۱۳۵۱ و تشکیل سازمان برنامه و بودجه، نظام برگزاری مناقصه در ایران، دچار چالش‌هایی گردید. این سازمان بدون توجه به آیین‌نامه معاملات دولتی مصوب ۱۳۴۹ اقدام به تصویب برخی آیین‌نامه‌ها به استناد مواد ۲۲ و ۲۳ قانون برنامه و بودجه[1] نمود؛ مثلاً آیین‌نامه با هدف ایجاد استانداردهایی در راستای اجرای طرح‌های عمرانی، آیین‌نامه برای تشخیص برنده مناقصه و یا آیین‌نامه تشخیص صلاحیت پیمانکاران و مشاوران به انضمام تصویب دستورالعمل‌های متعدد که پراکندگی مقررات، موجب

---

۱. ماده ۲۲ قانون برنامه و بودجه کشور مصوب ۱۳۵۲، تشخیص صلاحیت و طبقه‌بندی مهندسین مشاور و پیمانکاران توسط سازمان بر اساس آیین‌نامه مصوب هیأت وزیران صورت خواهد گرفت. ارجاع کار به مهندسین مشاور و پیمانکاران و روش تعیین برنده مناقصه براساس آیین‌نامه مصوب هیأت وزیران توسط دستگاه اجرایی انجام می‌گردد.

تبصره - ارجاع کار از طرف دستگاه اجرایی به مؤسسات علمی و یا تخصصی جهت اجرای طرح‌های مطالعاتی همچنین انعقاد قرارداد مربوط به تأیید سازمان خواهد بود.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-20]

توقف کارها می‌شد یا گاهی اوقات اجرای آنها را دچار مشکلاتی می‌نمود و یا امکان تهیه صورت وضعیت را در زمینه پرداخت‌های مربوط به طرح‌های عمرانی از ذی‌حسابی سلب می‌نمودند.

براساس ماده ۱۷ آیین‌نامه معاملات دولتی مصوب ۱۳۴۹ مقرر شده بود که دولت مکلف است حداکثر ظرف دو سال از تاریخ اجرای این آیین‌نامه فهرست واجدین صلاحیت واحدی برای هر نوع معامله تهیه نماید تا برای مناقصه محدود مورد استفاده کلیه وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی قرار گیرد و از سوی دیگر در ماده ۲۳ قانون برنامه و بودجه مصوب ۱۳۵۲ مقرر شده بود، سازمان برای تعیین معیارها و استانداردها همچنین اصول کلی و شرایط عمومی قراردادهای مربوط به طرح‌های عمرانی، آیین‌نامه‌ای تهیه و پس از تصویب هیأت وزیران و ابلاغ آن، دستگاه‌های اجرایی موظف به رعایت آن می‌باشند، بنابراین، تعارض در دستگاه اجرایی متولی تشخیص صلاحیت شرکت‌کنندگان در مناقصه، به علت عدم تفکیک نقش هر یک از آنها، به یکی از پر چالش‌ترین مباحث این حوزه، تبدیل شده بود. نقش اصلی سازمان برنامه و بودجه، استانداردسازی طرح‌های عمرانی بود و هر نوع آیین‌نامه یا دستورالعمل صادره از این سازمان، مستند اصلی در برگزاری مناقصه و نحوه انجام معاملات دولتی، محسوب می‌شد. ولی هرگز و در هیچ یک از مقررات مرتبط به برگزاری مناقصات، دامنه دستگاه‌های اجرایی تحت شمول قوانین و مقررات معاملات دولتی، تعیین نگردیدند و صرفاً معاملات به سه نوع جزئی، متوسط و عمده تقسیم شدند و همچنین روش امانی از ابداعات سازمان برنامه و بودجه بود که روش مذکور در هیچ جای قانون تعریف نشده بود و هیچ سابقه یا رویه‌ای هم در کشور برایش وجود نداشت و در عین حال، بسیاری از طرح‌ها، از طریق روش امانی انجام می‌شدند و همیشه هم قیمت تمام شده آن چندین برابر می‌گردید و سازمان برنامه و بودجه هم مدعی شده بود که بعضی از موارد را پیمانکار انجام نداده است. لذا به ناچار به خود دستگاه‌های اجرایی این اجازه داده می‌شد که بتوانند طرح‌های عمرانی را به شیوه امانی انجام دهند. این در حالی توصیه می‌شد که دستگاه‌های اجرایی فاقد هرگونه اطلاعات و اقدامات فنی در این زمینه بودند.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-20]

یکی دیگر از قوانین و مقررات در زمینه برگزاری مناقصات در ایران، قانون محاسبات عمومی سال ۱۳۶۶ است. مطابق با ماده ۷۹ قانون[۱] مورد اشاره، معاملات وزارتخانه‌ها، مؤسسات دولتی اعم از خرید، فروش، اجاره، استجاره، پیمانکاری، اجرت کار و غیره باید بر حسب مورد از طریق مناقصه یا مزایده انجام شود؛ لازم به ذکر است که استثنای موارد استخدامی در معاملات دولتی نیز با توجه به ماده ۱۷[۲] قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶ لغو شده است. همچنین در قانون مذکور، دو اشکال وجود داشت: اولاً از ماده ۷۹ تا ۸۹ یعنی یازده ماده این قانون، به معاملات دولتی اختصاص داده شده بود که هدف از این اقدام، ارائه یک قانون کامل‌تر بود ولی بخش قابل توجهی از این مفاد، قابل اجرا نبود از جمله اینکه در ماده ۸۹ این قانون[۳]، اختیار تصویب آیین‌نامه معاملات به مجلس واگذار گردید در صورتی که اگر قانون معاملات و مناقصات، قانون محسوب می‌شد، باید منفک از قانون محاسبات عمومی، به صورت علی‌حده، تهیه و تصویب می‌شد و سپس بخشی از اختیارات به صورت تصویب آیین‌نامه‌های اجرایی به هیأت دولت واگذار می‌گردید. از آنجا که دستگاه‌ها حتی برای تغییر حد نصاب‌هایشان به دلیل قید آن در قانون محاسبات دچار مشکل شده

---

۱ . ماده ۷۹ قانون محاسبات عمومی کشور مصوب ۱۳۶۶، معاملات وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی اعم از خرید و فروش و اجاره و استجاره و پیمانکاری و اجرت کار و غیره (به استثنای مواردی که مشمول مقررات استخدامی می‌شود) باید حسب مورد از طریق مناقصه یا مزایده انجام شود مگر در موارد زیر:

۱ . در مورد معاملاتی که طرف معامله وزارتخانه یا مؤسسه دولتی و یا شرکت دولتی باشد. ۲ . در مورد معاملاتی که انجام آنها به تشخیص و مسئولیت بالاترین مقام دستگاه اجرایی در مرکز و یا استان و یا مقامات مجاز از طرف آنها با نهادها و مؤسسات و شرکت‌های مشروحه زیر: الف. مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی و مؤسسات تابعه که بیش از پنجاه درصد سهام و یا سرمایه و یا مالکیت آنها متعلق به مؤسسات و نهادهای مذکور باشد. ب. شرکت‌های تعاونی مصرف و توزیع کارکنان وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی و شرکت‌های دولتی که بر اساس قوانین و مقررات ناظر بر شرکت‌های تعاونی تشکیل و اداره می‌شوند. ج. شرکت‌ها و مؤسسات تعاونی تولید و توزیع که تحت نظارت مستقیم دولت تشکیل و اداره می‌گردند که مقرون به صرفه صلاح دولت باشد. .....

۲ . ماده ۱۷ قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶، به دستگاه‌های اجرایی اجازه داده می‌شود از طریق مناقصه و با عقد قرارداد با شرکت‌ها و مؤسسات غیردولتی براساس فعالیت مشخص، حجم کار معین، قیمت هر واحد کار و قیمت کل به‌طور شفاف و مشخص بخشی از خدمات موردنیاز خود را تأمین نمایند. در صورت عدم مراجعه متقاضیان، اجازه داده می‌شود با رعایت قانون برگزاری مناقصات و تأیید سازمان از طریق ترک تشریفات مناقصه اقدام می‌گردد.

تبصره – شرکت‌های موضوع این ماده حسب وظایف مربوط توسط سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور یا وزارت کار و امور اجتماعی تعیین صلاحیت شده و در صورت تخلف از حکم این ماده لغو صلاحیت می‌گردند.

۳ . ماده ۸۹ قانون محاسبات عمومی کشور مصوب ۱۳۶۶، نحوه انجام معاملات و تشریفات مناقصه و مزایده و سایر مقررات اجرایی مواد ۷۹ الی ۸۸ این قانون به موجب قانونی خواهد بود که به‌تصویب مجلس شورای اسلامی خواهد رسید.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-20]

بودند، منجر به سندسازی‌ها، برگه‌های خرید جعلی، ضرر و زیان‌های بسیاری گردید و منشأ این مشکلات هم محدودیتی بود که در قانون محاسبات عمومی در این زمینه پیش‌بینی شده بود (محسنی، ۱۳۸۲: ۱۸۸). همچنین درج استثنائات مکرر در این ماده و برای نهادهای عمومی دولتی، جواز عدم الزام به برگزاری مناقصه را فراهم نموده بود.

در اثر آسیب‌های وارده به علت تعدد قوانین و مقررات در زمینه برگزاری مناقصات، کمیسیون برنامه و بودجه و محاسبات مجلس شورای اسلامی تصمیم به تنظیم و تهیه طرحی برای برگزاری مناقصات نمود. طرح تهیه شده در تاریخ ۸۳/۱/۲۵ در مجلس شورای اسلامی، تصویب گردید ولی از آنجا که این قانون همه قوای سه‌گانه من‌جمله نهادهای تحت نظر مقام رهبری و نیز نیروهای مسلح را شامل می‌شد، مورد ایراد شورای نگهبان قرار گرفت و سرانجام به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارجاع شد. مجمع با اصلاحاتی اندک و با استثنا کردن نیروهای مسلح، قانون برگزاری مناقصات را در تاریخ ۱۳۸۳/۱۱/۳ تصویب کرد. قانون برگزاری مناقصات مصوب ۱۳۸۳، نقطه عطفی در برخورد علمی و دقیق با موضوع خریدهای دولتی محسوب می‌شود هر چند که انتظار می‌رود در بستر زمان و همگام با تحولات دنیا، نوعی انسجام و هماهنگی میان مفاد این قانون با قوانین تدارکاتی در عرصه بازارهای تدارکات بین المللی صورت گیرد تا پیمانکاران و تأمین‌کنندگان ایرانی بتوانند از فرصت‌های بیشتری برای حضور در بازارخریدهای دولتی بهره‌برداری نمایند. در ادامه مقاله، ضمن شناسایی عوامل مؤثر در پیدایش ایرادات منتسبه به مقررات برگزاری مناقصات در ایران، راهکارهایی برای کاهش و یا جلوگیری از بروز زمینه‌ها و گلوگاه‌های فساد در امور مناقصات، ارائه خواهد شد.

فصل دوم: ایرادات حقوقی مربوط به موضوع مناقصه

۱-۲. نقص جریان اطلاع‌رسانی در فرایند برگزاری یک مناقصه

قدم اول برای مبارزه با فساد ناشی از برگزاری مناقصات، اطلاع‌رسانی دقیق و افشاگری رسانه‌ها از تخلفاتی است که صورت می‌گیرد. قدم دوم، تقویت دستگاه‌های نظارتی و عملکرد آنها است تا فقط نظاره‌گر تخلفات نباشند. برای کاهش تخلفاتی که در جریان برگزاری یک مناقصه روی می‌دهند، باید به سمت تدارکات الکترونیک و ثبت و ضبط همه فرایندهای تدارکاتی برویم (وفا،

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-20]

۱۳۸۹: ۳-۲). از سوی دیگر به دست آوردن اطلاعات واقعی موضوع یک مناقصه، به علت محرمانه بودن بسیاری از اطلاعات، چه از نظر تأمین‌کننده و چه از نظر مسئول تدارکات دولتی، امری بسیار دشوار است. خرید دولتی دارای پیچیدگی‌های فرایندی خاص خود بوده، لذا مسئول تدارکات دولتی نمی‌تواند تمامی مباحث را در زمان برگزاری مناقصه و یا عقد قرارداد و اجرا مدنظر قرار دهد. همچنین، اگر فرایند مناقصه از همان ابتدا مستندسازی شود، امکان استفاده از رانت اطلاعاتی از بین می‌رود. اگر مدارک قابل استناد وجود داشته باشد، شرکت‌کنندگان در مناقصه بهتر می‌توانند از حقوق خود دفاع کنند. هم چنین حساب‌رسان و بازرسان با تکیه بر اسناد و مدارک، در مورد موضوع مناقصه و نیز معاملات انجام شده بهتر می‌توانند اظهار نظر کنند. به ویژه در عصر فناوری اطلاعات و مطرح شدن دولت الکترونیکی، روند کار این امکان را به وجود آورده است که هر فرد ذی‌نفع بتواند شخصاً بررسی کند و روی نقاط ضعف آن انگشت بگذارد؛ به این ترتیب مناقصه‌گران به بازرسانی تبدیل می‌شوند که مدارک یکدیگر و نیز سلامت فرایند مناقصه را کنترل می‌کنند.

طبق قانون مناقصات، اطلاعات کلیه معاملات اعم از مناقصه و ترک مناقصه جز برخی از معاملات باید از طریق پایگاه ملی اطلاع‌رسانی مناقصات معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری در اختیار عموم قرار گیرد. می‌توان گفت که ماده ۳۲ قانون محاسبات درباره لزوم اطلاع عموم از تمام معاملات دولتی، بار دیگر در قانون برگزاری مناقصات مصوب ۱۳۸۳ احیا شده است. بند (الف) ماده ۱۸ آیین‌نامه اجرایی قانون برگزاری مناقصات مصوب ۱۳۸۳ تحت عنوان ایجاد و راه اندازی نرم افزار توسط سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و نیز بند (الف) ماده ۲۳ قانون مذکور، به مستندسازی و اطلاع‌رسانی اشاره شده است. اطلاعات کلیه معاملات اعم از مناقصه و ترک مناقصه سازمان‌ها و ارگان‌های موظف به درج اطلاعات مناقصات در پایگاه اطلاع رسانی (وزارتخانه‌ها، شرکت‌های دولتی، مؤسسات دولتی، سازمان‌های دولتی، قوای سه‌گانه مستند به بند (ب) ماده ۱ قانون برگزاری مناقصات مصوب ۸۳/۱۱/۱۷)، جز آن دسته از معاملاتی که به تشخیص هیأت وزیران باید مستور بماند، باید از طریق شبکه ملی اطلاع‌رسانی مناقصه در اختیار عموم قرار گیرد که به طور بسیار صریح ذکر شده است. هر مناقصه اعم از مناقصه محدود و عمومی، به هر شکل باید اطلاعات آن در پایگاه ملی اطلاع‌رسانی مذکور درج

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-20]

شود. معاملاتی که می‌باید توسط دستگاه‌های مناقصه‌گزار در پایگاه ملی مناقصات قرار گیرد، طبق بند (ج) ماده ۲۳ قانون مناقصات مشتمل بر کلیه معاملات بزرگ خریدهای بالای ۴۴ میلیون تومان، ترک تشریفات مناقصه و مزایده‌ها است. اسنادی که قبل از انتشار فراخوان می‌باید در پایگاه ثبت شوند شامل: مجوز برگزاری مناقصه، صورتجلسه پیش فراخوان، آگهی فراخوان عمومی، مجوز برگزاری مناقصه محدود از بالاترین مقام اجرایی، آگهی فراخوان ارزیابی کیفی و مجوز برگزاری مناقصه دو مرحله‌ای می‌باشد و نیز اسنادی که در حین برگزاری مناقصه می‌باید به پایگاه ارائه شوند شامل: اسناد مناقصه، روش ارزیابی فنی و بازرگانی مناقصه‌گران، صورتجلسه پاسخگویی به سؤالات (سایت ویزیت)، صورتجلسه گشایش پیشنهادها در مناقصه یک مرحله‌ای، صورتجلسه مرحله اول کمیسیون در مناقصات دو مرحله‌ای و صورتجلسه ارجاع پاکات جهت ارزیابی به کمیته فنی، صورتجلسه کمیته فنی و بازرگانی، صورتجلسه نتایج ارزیابی کمیته فنی و بازرگانی، صورتجلسه کمیسیون مرحله دوم در مناقصات دو مرحله‌ای، صورتجلسه ارجاع بررسی مبانی قیمت به کمیته فنی، صورتجلسه بررسی مبانی قیمت توسط کمیته فنی، صورتجلسه تجدید مناقصه، صورتجلسه ابطال مناقصه، صورتجلسه گزارش توجیهی ترک تشریفات، صورتجلسه ترک تشریفات مناقصه، صورتجلسه ارزیابی در مناقصات محدود، اعضای کمیسیون و حاضرین در جلسه و پس از برگزاری مناقصه، مناقصه‌گزار مکلف است متن خام قرارداد پیش از ابلاغ، متن نهایی قرارداد پس از امضا و مبادله، متمم قرارداد و یا ابطال قرارداد را در پایگاه مورد اشاره ثبت و ضبط نماید. یک بحث اطلاع‌رسانی موضوع برگزاری یک مناقصه است که از طریق پایگاه مذکور در اختیار عموم قرار می‌گیرد، زمینه دیگری که بسیار مهم است بحث نظارت است؛ یعنی کلیه مردم به عنوان ناظر مطرح هستند و تمام مراحل مناقصه از طریق مردم و دستگاه‌های نظارتی قابل کنترل است؛ اما در خوش‌بینانه‌ترین حالت نیمی از خریدهای دولتی در پایگاه ثبت نمی‌شود. مهم‌ترین کسی که می‌تواند بر این مورد نظارت کند خود دستگاه و ذی‌حساب دستگاه است. قانون محاسبات وظایف ذی‌حساب را در ماده ۳۱ ذکر کرده که باید ذی‌حساب مراحل برگزاری مناقصه را با قوانین تطبیق دهد، اگر در این مرحله فساد وجود داشت باید به مراجع گزارش شود و دستگاه‌های نظارتی نظیر سازمان بازرسی و دیوان محاسبات این مراحل را مورد بررسی قرار می‌دهند.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-20]

همچنین هر چند ماده ۲۳ قانون برگزاری مناقصات مقرر می‌دارد که نام، مشخصات و نحوه انتخاب برنده مناقصه ثبت و نگهداری شود، ولی تکالیفی نظیر: انتشار آگهی برنده مناقصه، ظرف زمان معین، از زمان واگذاری قرارداد به برنده مناقصه، برای دستگاه‌های مناقصه‌گزار با اطلاعات مربوط به نوع کالاها و خدمات موضوع مناقصه، نام و نشانی دستگاه مناقصه‌گزار، تاریخ واگذاری، نام و آدرس برنده مناقصه، ارزش قرارداد و نحوه انتخاب برنده مناقصه، در قانون برگزاری مناقصات وجود ندارد. هرچند تلاش شده تا این نقیصه در برخی مفاد آیین‌نامه اجرایی بند (ج) ماده ۱۲ قانون برگزاری مناقصات رفع شود، ولی به نظر می‌رسد تکلیف مورد نظر به مواردی خاص محدود گشته است.

۲-۲. امکان تغییر در کمیت و کیفیت موضوع مناقصه

برگزاری مناقصه بر مبنای رقابت است یعنی متقاضیان در شرایط یکسان باید رقابت کنند لذا باید شرایط کیفی، فنی و مالی به طور یکسان از ابتدای مناقصه تا پایان فرایند رقابت منطقاً ادامه داشته باشد. شکی نیست که تغییر در کمیت و کیفیت به صورت مستقیم بر قیمت تأثیر دارد. توجه به این موضوع نیز در تأمین رقابت واقعی میان تأمین‌کنندگان مؤثر است (مرادخانی، ۱۳۹۳: ۱۰). دیگر مواردی که می‌تواند متأثر از تغییر در کمیت و کیفیت موضوع مناقصه باشد، صلاحیت‌ها و ارزیابی کیفی مناقصه‌گران است، در حالت عادی تعداد متقاضیان نسبت مستقیمی با برآورد و احجام کار و حتی پیچیده یا ساده بودن مشخصات فنی دارد. هرچه کار پیچیده‌تر و برآورد بالاتر باشد تعداد متقاضیان کمتر خواهد بود لذا با افزایش برآورد کار و بالا بردن سطح مشخصات فنی، ارزیابی کیفی صورت گرفته که دقت و صحت ارزیابی توان انجام تعهدات مناقصه‌گران را اندازه‌گیری می‌کند، کاهش پیدا خواهد کرد. همچنین با کاهش آنها تعداد متقاضیان مناقصه، عملاً کاهش خواهد یافت و ارزیابی کیفی صورت گرفته بیش از حد سخت‌گیرانه بوده و اجازه حضور طیفی از واجدین شرایط مهیا نخواهد بود که با اصل رقابت در تضاد است. مطابق بند ۲ ماده ۱۰ آیین‌نامه معاملات دولتی، دستگاه مناقصه‌گزار در خصوص اتخاذ تصمیم در مورد پیشنهادهای واصله و انعقاد قرارداد مختار است مقدار کالا یا کار مورد معامله را تا ۲۵ درصد افزایش یا کاهش دهد مشروط بر این که کلیه محاسبات فنی را به میزان افزایش یا کاهش متناسب نماید.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-20]

۳-۲. عدم وجود تفکیک قیمت معاملات خدمات و خدمات ساختمان از تدارکات کالایی

در قانون برگزاری مناقصات، معاملات دولتی در ایران بر اساس قیمت ثابت و یا برآورد اولیه مورد معامله به سه دسته معاملات کوچک، متوسط و بزرگ تقسیم می‌شوند. معاملات کوچک و متوسط از تشریفات برگزاری مناقصات عمومی و محدود معاف می‌باشند و با کمترین بهای ممکن به تشخیص و مسئولیت کارپردازی و مسئول واحد تدارکاتی و تأیید بالاترین مقام دستگاه اجرایی انجام می‌شوند؛ اما در مورد معاملات بزرگ، هیأت وزیران درجلسه مورخ ۹۴/۲/۶ به پیشنهاد شماره ۵۴۴۸/۵۶ مورخ ۹۴/۱/۲۵ وزارت امور اقتصادی و دارایی و به استناد تبصره ۱ ماده ۳ قانون برگزاری مناقصات و ماده ۴۲ قانون الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت ۲ مصوب ۱۳۹۳ ، مبلغ اولیه را بیش از یک میلیارد و سیصد و نود میلیون ریال تصویب کرده است که در این صورت، به استثنای موارد خاص می‌باید با تشریفات مناقصات عمومی باز و یا مناقصات محدود گزینشی انجام شوند. این قانون هیچ گونه تفکیکی بین نصاب‌های قیمتی کالا، خدمات و خدمات ساختمان قائل نشده است. در حالی که قیمت معاملات خدمات و خدمات ساختمان معمولاً بسیار بالاتر از تدارکات کالایی می‌باشد و لذا نیاز است که از نصاب‌های قیمتی بالاتری برخوردار باشند.

٤-۲. عدم انتشار دستورالعمل‌ها و بخشنامه‌های دستگاه‌های اجرایی

هرچند قوانین مصوب مجلس، آیین‌نامه‌های مصوب هیأت دولت، آرای وحدت رویه دیوان عالی کشور و آرای دیوان عدالت اداری در روزنامه رسمی منتشر می‌شود ولی موضوع عدم شفافیت ممکن است در رابطه با بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌های داخلی بروز کند که دستگاه‌های اجرایی برای خریدهای دولتی مقرر می‌دارند و مفاد این دستورالعمل‌ها و بخشنامه‌ها در اختیار عموم قرار نمی‌گیرد. اگر سازوکاری در قانون برگزاری مناقصات مصوب ۱۳۸۳، پیش‌بینی می‌شد که طی آن دستگاه‌های اجرایی مشمول قانون مذکور را موظف به انتشار کلیه بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌های داخلی و تغییرات بعدی آنها و مؤثر در فرایند برگزاری مناقصه می‌نمود، در آن صورت، رکن شفافیت و به دنبال آن پاسخگویی، به عنوان یکی از اصول استاندارد حاکم بر مناقصات، بیشتر متجلی می‌گردید.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-20]

۵-۲. ایجاد موانع غیرضروری در ارزیابی فنی بازرگانی

ارزیابی فنی بازرگانی نباید با هدف ایجاد موانع غیرضروری انجام شود، باید بر مبنای عملکرد محصول باشد نه شکل ظاهری، بر مبنای استانداردهای موجود و یا مقررات فنی باشد؛ در ذکر مشخصات فنی نباید اشاره‌ای به یک علامت یا نام تجاری، مبدأ و ... شود و نهایتاً نباید از شرکت‌ها و تأمین‌کنندگان ذی‌نفع برای تدوین مشخصات یک خرید داخلی کمک گرفته شود. در حالی که ماده ۱۹ قانون برگزاری مناقصات ایران تنها اشاره می‌کند که در مناقصات دو مرحله‌ای دستگاه مناقصه‌گزار موظف است ارزیابی فنی بازرگانی پیشنهادها را بر اساس معیارها و روش‌های اعلام شده در اسناد مناقصه انجام دهد. پاکت‌های قیمت آن دسته از مناقصه‌گرانی گشوده می‌شود که از جهت فنی بازرگانی امتیاز لازم را کسب کرده باشد. برای جلوگیری از سوءاستفاده و اعمال سلایق در رد فنی بازرگانی پیشنهادهای دریافتی این ماده مقرر می‌دارد که رد فنی پیشنهادها باید بر اساس معیارها و روش‌های اسناد مناقصه انجام شود و هیچ گونه اشاره‌ای به چگونگی و معیارهای تدوین مشخصات فنی محصولات مورد مناقصه نمی‌کند. با این وجود در قانون برگزاری مناقصات آمده است: چنانچه اطلاعات اضافی در خصوص مشخصات فنی به برخی از خریداران اسناد مناقصه ارائه شود، صورتجلسه آن مذاکرات باید به سایر خریداران اسناد نیز ارسال شود. بند (ب) ماده ۱۷ مقرر می‌دارد توضیحات و پاسخ به پرسش‌های مناقصه‌گران و همچنین در صورت تشکیل جلسه توضیح اسناد، رونوشت صورتجلسه آن مطابق ماده ۲۲ این قانون به طور یکسان برای همه شرکت‌کنندگان مناقصه‌گر ارسال خواهد شد.

فصل سوم: ایرادات حقوقی مربوط به مناقصه‌گر

۱-۳. در نحوه ارزیابی کیفی مناقصه‌گر

آیین‌نامه اجرایی بند (ج) ماده ۱۲ قانون برگزاری مناقصات مصوب ۱۳۸۳، در چهار فصل به تقسیم‌بندی و وجوه تمایز مسأله ارزیابی کیفی مناقصه‌گر، پیمانکار و تأمین‌کننده پرداخته است. فصل دوم (مواد ۳ و ۴) تحت عنوان ارزیابی کیفی مناقصه‌گران، فصل سوم (مواد ۱۶ تا ۲۳) تحت عنوان ارزیابی کیفی پیمانکاران و شامل ارزیابی تجربه پیمانکاران، ارزیابی حسن سابقه در کارهای قبلی، ارزیابی توان مالی پیمانکاران، ارزیابی توان تجهیزاتی، ارزیابی توان فنی و

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-20]

برنامه‌ریزی، گواهینامه صلاحیت پیمانکاری و نیز ظرفیت کاری پیمانکاران و فصل چهارم (مواد ۲۴ تا ۲۹) تحت عنوان ارزیابی کیفی تأمین‌کنندگان و شامل ارزیابی توان مالی تأمین‌کنندگان، ارزیابی مشتریان قبلی، ارزیابی استانداردها، نظام تضمین کیفیت و نیز ظرفیت تولید می‌باشد. بررسی محتوای قانون برگزاری مناقصات مصوب ۱۳۸۳، بیانگر ارزیابی کیفی مناقصه‌گران، برای هر مناقصه است و نحوه اجرای ارزیابی در آیین‌نامه اجرایی بند (ج) ماده (۱۲) قانون برگزاری مناقصات مصوب ۱۳۸۳، به تفصیل بیان شده است. هرچند قانونگذار تلاش نموده تا ضوابط، موازین و معیارهای ارزیابی کیفی مناقصه‌گران را به منظور تحقق افزایش کارایی مناقصات، تضمین کیفیت خدمات و کالاها، به‌کارگیری مناقصه‌گران توانمند و با سابقه و نیز ایجاد محیط رقابت کیفی برای توسعه فعالیت‌های اقتصادی در آیین‌نامه مذکور، به طور کامل تعیین نماید ولی به نظر می‌رسد اجرای آیین‌نامه به علت عدم انطباق با بسترهای اجرایی لازم، قادر به تأمین خواسته غایی قانونگذار نمی‌باشد. آیین‌نامه‌هایی که در تشریح ضوابط ارزیابی کیفی مناقصه‌گران، تدوین شده‌اند نه تنها ایرادات قانون را اصلاح نکردند، بلکه با افزودن ضوابطی از جمله برگزاری مناقصات محدود وضعیت را نامطلوب‌تر نموده‌اند. در نتیجه علاوه بر پیمانکاران، مشاوران هم با مشکلات بسیاری در فرایند برگزاری مناقصات روبرو شده‌اند.

۲-۳. در نحوه ارزیابی مالی مناقصه‌گر

مناقصه‌گران برای حضور در تدارکات صرف‌نظر از رویکرد مورد استفاده برای قیمت‌گذاری، نیازمند اعلام قیمت تمام شده خرید دولتی و آگاهی از میزان واقعی می‌باشند تا بتوانند به ارزیابی وضعیت خود بر مبنای قیمت پیشنهادی بپردازند و حضور خود در مناقصه را مدیریت نمایند (کاملی، ۱۳۹۳: ۵۶). عدم وجود ملاک‌های گزینشی شفاف و مناسب در بخش مالی معضلات و مشکلات عدیده‌ای را در مراحل مناقصه به قصد اعطای قرارداد تدارکات عمومی به شایسته‌ترین تأمین‌کننده، هم برای مناقصه‌گزاران و هم برای مناقصه‌گران ایجاد می‌نماید. براساس بند (ز) ماده ۲ قانون مناقصات، تعریف ارزیابی مالی به این شرح است: فرایندی است که در آن

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-20]

مناسب‌ترین قیمت به شرح مندرج در ماده ۲۰ [۱] این قانون از بین پیشنهادهایی که از نظر فنی بازرگانی پذیرفته شده‌اند برگزیده می‌شود. به غیر از دو مورد فوق هیچ گونه اشاره دیگری به نحوه ارزیابی مالی مناقصه نشده است (یزدانی، ۱۳۹۱ : ۵). در سال‌های بعد از تصویب قانون مناقصات، آیین‌نامه‌های ابلاغ شده نیز بیشتر برای اعلام سقف معاملات کوچک و در برخی موارد به تعریف ضریب تأثیر ارزیابی فنی بازرگانی در قیمت پیشنهادی بسنده کرده‌اند. سازمان‌های مختلف هر یک روش خود را برای برآورد و ارزیابی انتخاب می‌کنند چون روش یکسانی برای قیمت‌دهی و در نتیجه ارزیابی مالی وجود ندارد و مناقصه‌گران روش قیمت‌دهی خود را متناسب با سازمان مناقصه‌گزار تغییر می‌دهند در نتیجه مناقصه‌گرانی که با روش مناقصه‌گزار آشنا نیستند میدان را به صورت بازنده ترک می‌کنند و شرکت‌های آشنا به روش سازمان مناقصه‌گزار روزبه‌روز محدود و محدودتر می‌شوند. چون در قانون و آیین‌نامه‌های مربوطه روشی برای نحوه اخذ قیمت تعیین نشده است، تصمیم‌گیری در بسیاری از موارد براساس قیمت مقطوع صورت می‌گیرد و نه براساس آنالیز قیمت. در نتیجه چنانچه اشتباهی در برآورد صورت گرفته باشد از چشم به دور می‌ماند و در زمان اجرای کار و یا ارائه خدمت به بدترین وجهی خود را نشان می‌دهد و منجر به نیمه تمام ماندن کار یا خدمت، ضرر مناقصه‌گر و یا زیان مناقصه گزار می‌شود.

از دیگر مسائل مهم مناقصات ارزیابی مالی پیشنهادها است. در ماده ۲۰ قانون برگزاری مناقصات پیش‌بینی شده که ممکن است همسنگ کردن پیشنهادهای مالی نیاز به بررسی قیمت‌ها و تجزیه و کنترل مبانی آن داشته باشد که در این صورت موضوع به کمیته فنی بازرگانی ارجاع خواهد شد تا ظرف حداکثر دو هفته قیمت‌ها را همسنگ کرده و به کمیسیون مناقصه گزارش دهد. با این وجود قانون برگزاری مناقصات مقرراتی در مورد نحوه همسنگ کردن پیشنهادهای مالی ارائه نکرده است. در بند (ب) ماده ۱۳ قانون برگزاری مناقصات نیز انتشار دعوت به مناقصه در روزنامه‌های کثیرالانتشار آمده است. در مورد فراخوان مناقصه نیز در

---

۱. بند (الف) ماده ۲۰ قانون تدارکات مصوب ۱۳۸۳ چنین آمده است: هنگام ارزیابی مالی، مناقصه‌گری که مناسب‌ترین قیمت را حایز شده باشد، به عنوان برنده اول اعلام خواهد شد و برنده دوم در صورتی اعلام خواهد شد که تفاوت قیمت پیشنهادی وی با برنده اول کمتر از مبلغ تضمین باشد. روش ارزیابی مالی باید در اسناد مناقصه به صورت مشروح با ذکر نحوه تأثیرگذاری ارزیابی فنی بازرگانی بر قیمت اعلام شود.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-20]

بند (الف) ماده ۱۳ قانون برگزاری مناقصات بیان شده است. درخصوص تعیین مدت برای تهیه اسناد و تحویل آن طبق بند (ب) ماده ۱۵ قانون برگزاری مناقصات مقرر گردیده که مهلت قبول پیشنهادها نباید در مورد مناقصات داخلی از ۱۰ روز و در مناقصات بین‌المللی از یک ماه از تاریخ آخرین مهلت تحویل اسناد مناقصه کمتر باشد. این مدت‌ها به خصوص در طرح‌های بزرگ می‌تواند نامناسب باشد. در ماده ۱۴ قانون برگزاری مناقصات تنها به شرایط اسناد مناقصه اشاره شده است، در حالی که ضرورت داشت ذکر می‌شد: اسناد مناقصه باید شامل کلیه شرایط و اسناد و مدارکی باشد که برای ارزیابی فنی و مالی مناقصه‌گران لازم است.

۳-۳. عدم پیش‌بینی مشارکت جدی، مؤثر، آگاهانه و بی‌طرفانه تشکل‌های صنفی در یک مناقصه

حضور نماینده تشکل صنفی در جلسه مناقصه وفق مقررات بند ۴ ماده ۱۹ قانون برگزاری مناقصات مصوب ۱۳۸۳، محدود به هنگام گشایش پیشنهادها شده است و به مشارکت جدی، مؤثر، آگاهانه و بی‌طرفانه تشکل صنفی در سایر مراحل مناقصه اشاره‌ای نشده است. این در حالی است که تشکل صنفی، به طور طبیعی می‌تواند مناسب‌ترین و صالح‌ترین نماینده مناقصه‌گر باشد و به عنوان یک عامل مدنی بر صحت و سلامت مناقصه‌ها نظارت کند و در هنگام وقوع هر نوع تخلف اقدام لازم را به عمل آورد. همچنین تصویب دستورالعمل تشخیص حق نظارت تشکل‌های صنفی بر صلاحیت پیمانکاران، نقطه عطفی در پیش‌بینی نظارت غیردولتی بر مراحل خریدهای دولتی محسوب می‌شود که البته هنوز سازوکار اجرایی ضعیف آن نتوانسته نقش مؤثری در رسالت خطیری که بر عهده دارد، ایفا نماید. دولت نباید بخش خصوصی را نقطه مقابل خود ببیند بلکه می‌باید با شناسایی نیازهای اصلی و تغییر قوانین و مقررات، زمینه فعالیت بخش خصوصی را در حوزه‌های گوناگون فراهم نماید. بخش خصوصی می‌تواند در کنار بخش دولتی به عنوان یک بازوی اجرایی عمل کند و با نظریه و مشورت دادن به دولت مؤثر باشد.

٤-۳. عدم وجود سازوکار نظارتی بر شرکت‌های شبه دولتی به عنوان مناقصه‌گر

یکی از اشکالاتی که در حال حاضر و در ارتباط با خریدهای دولتی وجود دارد، عدم جامعیت قانون برگزاری مناقصات مصوب ۱۳۸۳ نسبت به شرکت‌های شبه دولتی است که از امتیازات

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-20]

حاکمیتی بهره‌برداری می‌نمایند. به نظر می‌رسد سازوکار نظارتی و تقنینی باید طراحی شود تا با کنترل این نوع شرکت‌ها بتوان رقابت واقعی را در بازار خریدهای دولتی ایران، برقرار نمود (عبداللهی،۱۳۹۱: ۴). حضور شرکت‌های شبه دولتی در مناقصات دولتی، تبدیل به نوعی انحصار شده است. در حالی که باید زمینه حضور همه بخش‌ها به طور یکسان فراهم شود و برای این کار لازم است قانون مورد بازنگری کامل قرار بگیرد و چنان‌چه موانعی وجود دارد برطرف شود (محتشم دولتشاهی، ۱۳۹۳: ۱۰). شرکت‌سازی توسط شبه دولتی‌ها به جز ضربه وحشتناک به اقتصاد کشور و نقض قوانین و مقررات و حذف بخش خصوصی واقعی، ثمره دیگری به جا نخواهد گذاشت. (شیرپور، ۱۳۹۲ : ۳)

۵-۳. امکان انتخاب مناقصه‌گر براساس کمترین قیمت

متأسفانه امروزه با برداشت سلیقه‌ای از قانون، به جای مناسب‌ترین قیمت، کمترین قیمت مبنای تعیین برنده شده است که با نص قانون تناقض دارد. ماده ۲۰ قانون برگزاری مناقصات مصوب ۱۳۸۳ که به بحث نحوه تعیین برنده مناقصه می‌پردازد، تصریح می‌کند: «هنگام ارزیابی مالی، مناقصه‌گری که مناسب‌ترین قیمت را حایز شده باشد، به عنوان برنده اول اعلام خواهد شد و برنده دوم در صورتی اعلام می‌شود که تفاوت قیمت پیشنهادی وی با برنده اول، کمتر از مبلغ تضمین باشد. روش ارزیابی مالی باید در اسناد مناقصه به صورت مشروح با ذکر نحوه تأثیرگذاری ارزیابی فنی بازرگانی بر قیمت اعلام شود. همان طور که در این ماده قانونی مشاهده می‌شود، قانون‌گذار به هیچ وجه، کمترین قیمت را ذکر نکرده بلکه عبارت مناسب‌ترین قیمت را مورد تأکید قرار داده است. به نظر می‌رسد هدف قانون‌گذار از ذکر این ماده قانونی این است که مناقصه‌گزار، قیمت پیشنهاد دهنده‌ای را به عنوان برنده، انتخاب نماید که از تناسب لازم برای اجرای کار برخوردار باشد، اگرچه کمترین قیمت نباشد. از جمله مشکلاتی که با اجرای این شیوه نادرست پدید می‌آید به حاشیه رفتن شرکت‌ها و تأمین‌کنندگان حرفه‌ای است. در شیوه تعیین برنده براساس پایین‌ترین قیمت، برخی تأمین‌کنندگان برای کسب خریدهای دولتی، قیمت پایینی را در مناقصات پیشنهاد می‌دهند؛ اما بعد از برنده شدن و در زمان اجرای خرید دولتی هم خود دچار مشکل می‌شوند و هم سازمان دولتی مناقصه‌گزار را با چالش مواجه می‌کنند. هم چنین ارائه قیمت پایین در مناقصات ممکن است در کیفیت اجرای خرید دولتی نیز تأثیرگذار باشد و سطح

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-20]

کیفی طرح‌های ملی و محلی را کاهش دهد. در چنین شرایطی، معمولاً برای کسب سود و جلوگیری از ضرر احتمالی، زمان اجرای خریدهای دولتی به ویژه در ارائه خدمات به طول می‌انجامد و در سال‌های مختلف درخواست تعدیل قیمت از سوی تأمین‌کنندگان ارائه می‌گردد. همان طور که مشاهده می‌شود تخلف به ظاهر ساده ناشی از اعمال تفسیر سلیقه‌ای سازمان‌های دولتی از قانون برگزاری مناقصات در خصوص نحوه تعیین برنده، چه پیامدهای نامطلوبی را می‌تواند برای کشور به دنبال داشته باشد.

٦-٣. ابهام در ارتباط میان بند (د) ماده ۲۰ قانون برگزاری مناقصات مصوب ۱۳۸۳ با مفاد ٤ و ٥ قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی در تأمین نیازهای کشور و تقویت آنها در امر صادرات مصوب ۱۳۹۱

قانون مناقصات ایران به صراحت بین مناقصه‌گران داخلی و خارجی تبعیض قایل شده است. بند (د) ماده[1] ۲۰ قانون برگزاری مناقصات مصوب ۱۳۸۳ در زمینه ارزیابی مالی و تعیین برنده مناقصه، بر ارجحیت مناقصه‌گران داخلی بر خارجی تأکید دارد. در این بند آمده: «در مناقصات بین‌المللی، مناقصه‌گران داخلی نسبت به مناقصه‌گران خارجی ترجیح دارند. نحوه این ترجیح در اسناد مناقصه قید خواهد شد. مناقصاتی که در آنها رعایت این قاعده به مصلحت نباشد باید از سوی شورای اقتصاد تأیید شود».

از سوی دیگر، طبق ماده ۲ قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی در تأمین نیازهای کشور و تقویت آنها در امر صادرات مصوب ۱۳۹۱، تمامی دستگاه‌های دولتی و عمومی مشمول این قانون موظف هستند در تأمین کالاهای مصرفی و سرمایه‌ای امور خدمات مهندسی مشاور، پیمانکاری ساختمانی و تأسیساتی، تأمین تجهیزات کلیه پروژه‌های کشور اعم از اینکه از بودجه عمومی دولت و یا از درآمدهای خود و یا از اعتبارات و تسهیلات ارزی و ریالی دستگاه‌های مزبور یا زمین‌های منابع طبیعی و سایر امکانات دولتی استفاده می‌کنند، براساس

---

۱. بند (د) ماده ۲۰ قانون برگزاری مناقصات ۱۳۸۳: در مناقصات بین‌المللی، مناقصه‌گران داخلی نسبت به مناقصه گران خارجی ترجیح دارند . نحوه ترجیح مناقصه‌گران داخلی در اسناد مناقصه قید خواهد شد . مناقصاتی که درآنها رعایت این قاعده به مصلحت نباشد باید از سوی شورای اقتصاد تأیید شود .

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-20]

قانون مزبور، اقدام نمایند. همچنین موظف‌اند در صورت نیاز به تولیدات غیرداخلی، فهرست کالاها، تجهیزات لوازم و فراورده‌ها را به طور رسمی به وزارت صنعت، معدن و تجارت اعلام نمایند تا در صورت صرفه و صلاح برای تولید آنها برنامه‌ریزی شود. وزارت صنعت معدن و تجارت موظف است با همکاری سازمان‌ها، انجمن‌ها، اتحادیه‌های تولیدی و خدماتی هر شش ماه یک‌بار فهرست کالاها، تجهیزات، لوازم و فرآورده‌های ساخت داخل و ظرفیت تولیدی آنها را استخراج کند و به طور رسمی در دسترس دستگاه‌های ذی‌نفع این قانون و عموم مردم قرار دهد و در صورت عدم وجود شرکت‌های ذی‌صلاح داخلی در این صورت ارجاع کار طبق قسمت اخیر ماده ۵ قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی در تأمین نیازهای کشور و تقویت آنها در امر صادرات مصوب ۱۳۹۱، فعالیت‌های مورد نظر با رعایت ماده[1] ۴ آن قانون، می‌تواند با تأیید بالاترین مقام اجرایی دستگاه به مشارکت ایرانی – خارجی یا خارجی واگذار شود.

در بند ۵ ماده ۱ قانون مذکور، شرکت ایرانی – خارجی عبارت از: شرکت ثبت شده در ایران است که بیش از ۵۱ درصد سهام آن متعلق به اشخاص حقیقی و حقوقی ایرانی و بقیه آن متعلق به اشخاص حقیقی و حقوقی خارجی است. همچنین در بند ۴ ماده ۱ همان قانون، شرکت خارجی عبارت است از: شرکت‌های خارجی که ۱۰۰ درصد سهام آنها متعلق به اشخاص حقیقی یا حقوقی غیر ایرانی است و براساس قوانین جمهوری اسلامی ایران در کشور فعالیت می‌کنند.

نحوه تنظیم ماده ۴ قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی در تأمین نیازهای کشور و تقویت آنها در امر صادرات مصوب ۱۳۹۱، به گونه‌ای است که چنانچه استفاده از تولیدات و خدمات داخل کشور ممکن نباشد، دستگاه دولتی ممکن است، بتواند بدون رعایت شرط ۵۱ درصد، نیاز خود را از خارج تأمین نماید. همچنین محتوای مفاد ۴ و ۵ قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی در تأمین نیازهای کشور و تقویت آنها در امر صادرات مصوب ۱۳۹۱، در خصوص ساماندهی و مدیریت امر، با هم در تناقض است و دستگاه‌ها را دچار نوعی سردرگمی

---

۱. ماده ۴ قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی در تأمین نیازهای کشور و تقویت آنها در امر صادرات مصوب ۱۳۹۱: با توافق بالاترین مقام اجرایی دستگاه‌های موضوع ماده ۲ این قانون، حسب مورد وزیر صنعت، معدن و تجارت دستگاه‌های مزبور می‌توانند نیاز طرح یا پروژه خود را از خدمات یا محصولات خارجی تأمین نمایند.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-20]

می‌کند. مشخص نیست در خصوص استثنائات قانون، در چه مواردی تنها موافقت بالاترین دستگاه اجرایی کافی است (ماده ۵ قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی در تأمین نیازهای کشور و تقویت آنها در امر صادرات مصوب ۱۳۹۱) و در چه مواردی موافقت وزیر صنعت، معدن و تجارت (ماده ۴ قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی در تأمین نیازهای کشور و تقویت آنها در امر صادرات مصوب ۱۳۹۱) نیز لازم است. چنانچه قبلاً ذکر شد در این حالت میزان ارجاعات به وزارت صنعت، معدن و تجارت نیز بسیار زیاد خواهد بود.

در خصوص شرایط استثنای قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی در تأمین نیازهای کشور و تقویت آنها در امر صادرات مصوب ۱۳۹۱ و عدم امکان واگذاری کل کار به طرف ایرانی، در پیش‌نویس طرح لایحه قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی در تأمین نیازهای کشور و تقویت آنها در امر صادرات، ابتدا مشارکت شرکت‌های ایرانی – خارجی و در صورت عدم امکان، مشارکت شرکت‌های خارجی – ایرانی مجاز شمرده شده بود که در آن صورت نیز سهم ارزش کار طرف ایرانی باید حداقل ۵۱ درصد باشد. این بخش از پیش‌نویس طرح، توسط کمیسیون حذف گردید.

با توجه به اینکه عمده خریدهای دولتی و واگذاری پروژه‌ها از طریق برگزاری مناقصه انجام می‌شود، باید ربط بین این قانون و قانون برگزاری مناقصات شفاف شود. همچنین نباید فقط به اتکای توان اجرای کار در داخل کشور و بدون لحاظ قیمت و حداقل کیفیت مورد نظر، کار به طرف ایرانی سپرده شود. لذا از آنجایی که با توجه به قانون مناقصات مصوب ۱۳۸۳، می‌توان ضریب ترجیحی برای طرف ایرانی لحاظ نمود، نحوه اختصاص این ضریب ترجیحی در این ماده نیز باید مدنظر قرار گیرد.

فصل چهارم: ایرادات حقوقی مربوط به مناقصه‌گزار

۱-٤. آزادی انتخاب روش اجرای مناقصه

هر خرید دولتی دارای خصوصیات و نیازهای منحصربه فردی است و برای این که خرید دولتی موفق باشد، باید در انتخاب روش اجرای آن علاوه بر مسایل فنی، نیازهای مسئول تدارکات دولتی و تأمین کننده نیز در نظر گرفته شود. طی دهه‌های گذشته روش‌های اجرا و مدیریت

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-20]

خرید دولتی به شکل قابل توجهی دستخوش تغییر و توسعه بوده است. انتخاب مناسب اجرای خرید دولتی می‌تواند هزینه‌های خرید دولتی را به طور متوسط تا ۵ درصد و زمان اجرای خرید دولتی را تا ۳۰ درصد کاهش دهد و انتخاب سیستم نامناسب برای پیشبرد خرید دولتی می‌تواند منجر به بروز مشکلاتی مانند تأخیر و افزایش هزینه و بروز اختلافات و ادعاها در خریدهای دولتی شود. این انتخاب که در ابتدایی‌ترین مراحل خرید دولتی اتخاذ می‌شود، بر تمامی فرایندهای اجرای خرید دولتی و هم چنین کارایی اجرای مراحل خرید دولتی تأثیر می‌گذارد.

در قانون برگزاری مناقصات بحث مناقصه عمومی، مناقصه محدود، ترک تشریفات و موارد عدم‌الزام به برگزاری مناقصه برای انجام خرید کالا یا خدمات درج شده است؛ در ترک تشریفات مناقصه باید موضوع به تأیید هیأت ۳ نفره برسد لیکن در عدم الزام به برگزاری مناقصه کار بسیار ساده‌تر شده و در اکثر موارد موضوع به نظر بالاترین مقام دستگاه مناقصه‌گزار بنابه تشخیص خود ارجاع داده شده است. مشکلی که در این مورد وجود دارد این است که در این زمینه سقفی برای میزان معاملات مشخص نشده است، یعنی خرید دولتی ۱۰ میلیاردی و یا بالاتر و پایین‌تر هم می‌تواند با تشخیص بالاترین مقام دستگاه مناقصه‌گزار به طریق عدم الزام به برگزاری مناقصه برگزار شود. این امر فرایند را دچار خدشه می‌کند؛ زیرا دست دستگاه مناقصه‌گزار را باز گذاشته است در صورتی که در موارد ترک تشریفات، اگر مبلغ از ۲۰۰ برابر حد نصاب معاملات کوچک بگذرد می‌باید به تأیید هیأتی در سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور برسد. لذا لازم است قانون برگزاری مناقصات مصوب ۱۳۸۳ مورد تجدیدنظر قرار گرفته و محدودیت‌هایی اعمال شود، به نظر می‌رسد خلأ موجود در سازوکار تقنینی دیگر رسالت غایی این گونه مقررات را که همانا تحقق رقابت در بازار خریدهای دولتی است، تأمین نمی‌نماید و موضوع اعطای قراردادهای تدارکات به طور انحصاری به تأمین‌کنندگان خاصی واگذار می‌شود.

توجه به این نکته لازم است که ترک تشریفات و عدم‌الزام به برگزاری تدارکات از نظر نتیجه هر دو یکی می‌باشند یعنی در هیچ کدام از این روش‌ها مناقصه‌ای برگزار نمی‌شود؛ اما دارای تفاوت‌هایی می‌باشند. قانون‌گذار در ترک تشریفات فرایند و سخت‌گیری‌های خاصی را پیش‌بینی کرده است که با رعایت آن موارد و تأیید هیأت‌های پیش‌بینی شده فرایند پیش می‌رود و مجوز برای عدم برگزاری مناقصه صادر می‌گردد. در خصوص ماده ۲۹ قانون برگزاری مناقصات مصوب

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-20]

۱۳۸۳ (عدم الزام به برگزاری مناقصه) هیچ تشریفاتی پیش‌بینی نشده است. این امر از نظر ماهیت قانون برگزاری مناقصات و اینکه ترک تشریفات و عدم الزام به برگزاری مناقصه همیشه باید استثنا بر اصل باشند، منطقی به نظر نمی‌رسد و باید تا حد امکان شرایط مندرج در ماده ۲۹ محدود شده و از گسترش آن جلوگیری شود.

۲-٤. ابهام در تعیین دستگاه‌های مشمول قانون برگزاری مناقصات مصوب ۱۳۸۳ به عنوان مناقصه‌گزار

در بند (ب) ماده یک قانون برگزاری مناقصات مصوب ۱۳۸۳ در ذکر دستگاه‌های مشمول و جامعیت قانون مذکور، ابهاماتی دیده می‌شود و نظر به نحوه تعریف، امکان تفاسیر مختلف را مهیا نموده است. از جمله نهادهای عمومی[۱] غیردولتی در مواردی که از بودجه کل کشور استفاده می‌کنند. آیا اگر قسمت کوچکی از یک طرح مهم از محل بودجه عمومی تأمین‌شده باشد، مشمول قانون مذکور می‌گردد یا خیر؟ یا ذکر مجدد نهادهای انقلاب اسلامی که این ابهام را به وجود آورده است که چه از بودجه استفاده بکنند یا نکنند، حتی اگر جزو نهادهای عمومی غیردولتی باشند، مشمول قانون مناقصات می‌گردند. همچنین در قانون بودجه سال ۱۳۹۱ به بند ۲ که درخصوص بودجه شرکت‌های دولتی، بانک‌ها و مؤسسات انتفاعی وابسته به دولت منابع و مصارف را ذکر نموده است؛ اما در قانون برگزاری مناقصات در بند (ب) ماده ۱ بانک‌های دولتی را جدا از مؤسسات انتفاعی وابسته به دولت آورده است. گرچه حیطه این دو قانون مجزا است به نحوی که بودجه حیطه خاص و موارد موردنظر خود را دارد و در قانون مناقصات، امور مناقصه را تعیین تکلیف نموده است، ولی آیا توجه به این مورد را باید این گونه در نظر گرفت که قانون بودجه، بانک‌های وابسته به دولت را در نظرگرفته است؛ اما در قانون مناقصات صرفاً بانک‌های دولتی تحت شمول هستند نه وابسته به دولت؟ آیا اگر درخصوص منابع و مصارف شرکت یا مؤسسه‌ای وابسته به دولت، در بودجه سالانه مقرراتی تنظیم و الزام شده باشد، می‌توان آن شرکت یا مؤسسه را از شمول قانون مناقصات خارج دانست؟

---

۱. برای اطلاعات بیشتر نک: (۱۳۹۱)، «شرکت مخابرات به عنوان مؤسسه عمومی مشمول قانون برگزاری مناقصات است»، روزنامه مناقصه مزایده، سال ۷، شماره ۷۹۱، ص ۲.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-20]

با توجه به آنکه حیطه قانون مناقصات مطابق بند (ب) ماده یک وسیع در نظر گرفته شده است. لذا به نظر می‌رسد به کار بردن عبارات و کلماتی که تعریف مشخص و معین ندارد، ایجاد اختلاف و ابهام می‌نماید، مثلاً عبارت مؤسسات عمومی در بند (ب) ماده یک قانون مناقصات و استعمال آن بعد از عبارت مؤسسات عمومی غیردولتی، این نکته را به ذهن متبادر می‌کند که این مؤسسات جدا از تعریف مذکور است و از آن جایی که تعریف مشخصی از مؤسسات عمومی وجود ندارد پس آیا منظور قانون‌گذار، از به کار بردن این عبارت می‌تواند اشخاص حقوقی باشد که به دلیل نوع فعالیت، جنبه انتفاعی آنها هدف اصلی از تشکیل نبوده و به دلیل ارائه خدمات عمومی و جذب طیف وسیعی از مردم جامعه در گرفتن خدمات از آنها و برای جلوگیری از تضییع حقوق عمومی این گروه مشمول قانون قرار گرفته‌اند؟ برای نمونه می‌توان از شهرداری‌ها نام برد؛ چون ارائه‌دهنده خدمات به قشر وسیعی از جامعه می‌باشند یا همین طور شرکت مخابرات، آن هم به دلیل جایگاه خاصی که دارد و ارائه خدمات عمومی به قشر بسیار وسیعی از جامعه به نحوی که قریب به اتفاق کل جامعه نیازمند جذب خدمات از آن هستند، پس در واقع به دلیل جایگاه این گروه از اشخاص غیردولتی، نمی‌تواند آنها را از شمول قانون برگزاری مناقصات خارج نماید و ضروری است برای حمایت از منافع عمومی این بنگاه‌ها تحت ضوابط اجرایی خاص باشند. البته برای کاربردی کردن این استدلال باید از طریق مراجع ذی‌صلاح اقدام به تفسیر یا اصلاح قانون نمود. (طاهری، ۱۳۹۳: ۱۱)

۳. امکان اعمال سلیقه و صدور بخشنامه‌های متناقض سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور

یکی از اهداف تمرکز امور مناقصات در سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، ساماندهی و ایجاد سازوکار نظارتی در این بخش و جلوگیری از دخالت سازمان‌های مختلف در امور مناقصه و پرهیز از سردرگمی و بلاتکلیفی و ایجاد وحدت رویه بوده است؛ اما در عمل مشاهده می‌شود که سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور نه تنها موفق به ایجاد وحدت رویه و رفع نگرانی مناقصه‌گران و پیمانکاران نشده، بلکه با صدور بخشنامه‌های متناقض و مبهم به دغدغه‌های پیمانکاران دامن‌زده است. پیمانکاران و مناقصه‌گران برای کسب رتبه باید مدارک و مستندات خود را به سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور ارائه کنند تا پس از طی مراحل کاری، رتبه مورد

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-20]

نظر آنها ارائه شود؛ اما به دلیل صدور بخشنامه‌های متعدد و متناقض که گاه به فاصله چند هفته یا ماه از یکدیگر صادر می‌شود، تعیین رتبه پیمانکاری برای چندین ماه به تأخیر می‌افتد و پیمانکاران مجبور می‌شوند زمان زیادی را برای تهیه و آماده‌سازی مستندات جدیدی که اعلام شده است صرف کنند (طاهری، ۱۳۹۱: ۶). مهم‌ترین پیامدهای صدور بخشنامه‌های متناقض را می‌توان تأخیر در رتبه‌بندی مناقصه‌گران، سواستفاده از قوانین، اعمال سلیقه در اجرای قانون، افزایش ریسک سرمایه‌گذاری، گسترش بوروکراسی اداری، گسترش پرونده‌های قضایی بر شمرد. اگر چه هدف سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور از صدور بخشنامه‌های متعدد نظارت دقیق‌تر بر انجام امور اجرایی مناقصات است و این سازمان قصد ایجاد مشکل و دردسر برای پیمانکاران ندارد؛ اما عملکرد ضعیف و پرحاشیه این سازمان در صدور بخشنامه‌های متعدد، معضلی است که به راحتی نمی‌توان از آن گذشت. پیمانکاران از سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور انتظار دارند که با تصویب بخشنامه‌ها و آیین‌نامه‌های کارشناسی شده و قوی، موانع پیش روی آنها را رفع کند نه این که اقداماتی را انجام دهد و بخشنامه‌هایی را تصویب کند که شایبه کارشکنی از آنها استنباط شود. به نظر می‌رسد برای حل مشکل صدور بخشنامه‌های متناقض توسط سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، نظارت هیأت دولت و مجلس شورای اسلامی از یکسو و حضور جامعه مدنی متشکل از نمایندگان پیمانکاران و تأمین‌کنندگان ایرانی از سوی دیگر، در قالب یک نهاد عمومی – خصوصی ضروری بوده و می‌تواند کارساز باشد. تلفیق دولت و مجلس و جامعه مدنی مذکور، می‌توانند با تحقیق و تفحص و بررسی عملکرد این سازمان، مشکلات را حل و نگرانی پیمانکاران را رفع و آنها را از سرگردانی خارج کنند. (طاهری، ۱۳۹۱: ۶)

فصل پنجم: ایرادات حقوقی در رسیدگی عادلانه به انواع شکایات ناشی از برگزاری یک مناقصه

۱. عدم توجه به جایگاه آیین‌نامه اجرایی در مقایسه با قانون

مستند قانونی هیأت رسیدگی به شکایات، ماده‌های ۷ و ۸ جز ۴ از بند (الف) و (ب) ماده ۲۴ و ماده ۲۵ قانون برگزاری مناقصات و قانون اساسنامه هیأت رسیدگی به شکایات قانون برگزاری مناقصات مصوب ۱۳۸۸/۲/۱۶ و آیین‌نامه اجرایی قانون اساسنامه هیأت رسیدگی به شکایات

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-20]

قانون برگزاری مناقصات مصوب اسفند ۱۳۸۹ می‌باشد. این هیأت چون بـه منظـور رسـیدگی بـه شکایات مناقصه‌گر علیه مناقصه‌گزار تشکیل می‌شود و رأیی که قـاطع بـین دعـوای آنـان اسـت اگرچه رأی قضایی محسوب نمی‌شود؛ اما چون از سوی قانون گذار بـه عنـوان مراجـع اسـتثنایی شناخته شده است، لازم‌الرعایه است[۱].

در قانون اساسنامه، اختیارات هیأت رسیدگی به شکایات افزایش یافته است. با این توضیح که هیأت می‌تواند علاوه بر لغو یا تجدید مناقصه، چنانچه قرارداد مربوط به معامله مورد اعتراض، منعقد شده باشد و هیأت، شکایت را وارد تشخیص دهد، موظف است در رأی صادر شده به صراحت نسبت به تعلیق، فسخ یا جواز ادامه قرارداد نیز اعلام نظر کند. علی‌الاصول آیین‌نامه اجرایی پایین‌تر از قانون، قرار دارد و نمی‌تواند احکامی داشته باشد که فراتر و شدیدتر از قانون

---

۱. اصل بر رسیدگی کلیه دعاوی توسط قوه قضایی در مراجع دادگستری است؛ زیرا به موجب اصل ۱۵۹ قانون اساسی مرجع رسمی شکایات و تظلمات عمومی، دادگستری است؛ اما علی‌رغم اصل فوق در مواردی، برخی از دعاوی خارج از دادگستری ولی به عنوان مرجع رسمی مورد رسیدگی مراجع غیر دادگستری قرار می‌گیرد. از این رو، از یک طرف رسیدگی در مراجع استثنایی به برخی دعاوی، از اصل قانون اساسی مستثنا شده و از طرف دیگر، آرای صادر شده از آن مراجع، رسمی و قانونی است و خدشه‌ای بر اعتبار آنها وارد نیست. به عبارت دیگر، مراجع استثنایی همان طوری که از نام آنها پیداست، در عین حال که از مراجع قضایی شناخته نمی‌شوند لکن رأی صادر شده از آن مراجع برای طرفین دعوا لازم‌الاجرا است و از این حیث در رسمیت آرای آنها تردیدی وجود ندارد. مراجع استثنایی را مراجع شبه قضایی نیز می‌گویند. مفهوم مراجع استثنایی در برابر مراجع عمومی، معرف مراجعی است که تنها صلاحیت رسیدگی به امور یا محاکمه اشخاصی را دارند که مشخص نموده است. قانون‌گذار صراحتاً این تفکر که رسیدگی به برخی تخلفات، اطلاعات خاص را ایجاب می‌کند و از این نظر مستلزم وجود مراجع خاص با آیین دادرسی مخصوص می‌باشد؛ اگرچه در بسیاری از کشورها طرفدارانی دارد اما در کشورهایی نیز تشکیل این مراجع استثنایی با مخالفت‌های جدی روبه رو می‌باشد؛ زیرا حقوق‌دانان بر این عقیده‌اند که این مراجع تحت نفوذ حکومت قرار گرفته و بنابراین به احتمال قوی حقوق افراد چنان چه باید، تأمین نگردد. مراجع استثنایی، مراجع گوناگونی را با یکدیگر متفاوت‌اند و باید آنها در بر می‌گیرند که کاملاً را از هم تفکیک کرد. مراجع استثنایی را با توجه به طبع اموری که در صلاحیت آنها قرار دارد می‌توان به مراجع استثنایی حقوقی و مراجع استثنایی کیفری تقسیم نمود. برای اطلاعات بیشتر نک: (سلاحی، جعفر (۱۳۸۹)، مراجع اختصاصی شبه قضایی، انتشارات جنگل)

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-20]

باشد. حال آن که در تبصره ۳ ماده ۴ آیین‌نامه اجرایی قانون اساسنامه آمده، در صورت احراز تبانی توسط هیأت، موضوع از طریق دبیرخانه به دستگاه مناقصه‌گزار اعلام تا ضبط ضمانت‌نامه تبانی‌کنندگان توسط دستگاه مناقصه‌گزار صورت پذیرد. این تبصره چون مغایر قانون برگزاری مناقصات و قانون اساسنامه می‌باشد از طریق دیوان عدالت اداری قابل ابطال است؛ زیرا ضبط ضمانت نامه بانکی مناقصه‌گر طبق ماده ۲۱ قانون برگزاری مناقصات، تنها در صورت امتناع او از انعقاد قرارداد و یا عدم ارائه ضمانت انجام تعهدات امکان‌پذیر است. پس آیین‌نامه اجرایی نمی‌تواند این حکم قانون‌گذار را فراخ‌تر نموده و به موارد مربوط به تبانی مناقصه‌گر نیز توسعه دهد. (اسماعیلی هریسی، ۱۳۹۲: ۴۰۹)

۲-۵. عدم مطابقت فرایند طرح شکایت مقرر در آیین‌نامه اجرایی با قانون برگزاری مناقصات

مطابق بند (س) ماده یک آیین‌نامه اجرایی قانون اساسنامه، شکایت عبارت است از: درخواست کتبی شاکی در مهلت قانونی مقرر که رأساً و به طور مستقیم به دبیرخانه هیأت رسیدگی به شکایت، ارائه و تسلیم شود و توسط دبیرخانه بررسی و دریافت گردد. از طرفی بند (الف) ماده ۲۵ قانون برگزاری مناقصات مقرر نموده، چنان‌چه هر یک از مناقصه‌گران نسبت به اجرا نشدن موادی از قانون برگزاری مناقصات اعتراض داشته باشند می‌توانند به بالاترین مقام دستگاه مناقصه‌گزار شکایت کنند. در تأیید این بند از ماده ۲۵ قانون یادشده، تبصره ماده ۵ قانون اساسنامه نیز مراجعه به هیأت را منوط به این می‌داند که مناقصه‌گر ابتدا در قالب ماده ۲۵ قانون برگزاری مناقصات، اعتراض مکتوب خود را به بالاترین مقام دستگاه مناقصه‌گزار تسلیم کرده باشد و پس از رسیدگی و دریافت جوابیه، کماکان به اعتراض خود باقی باشد یا این که به رغم انقضای مهلت پانزده روزه پاسخی دریافت نکرده باشد. شکایت پیش از طرح در هیأت باید در نزد بالاترین مقام دستگاه مناقصه‌گزار که از نظرشان و مسئولیت اداری، مافوق رئیس مناقصه‌گزار است، مطرح گردد. بالاترین مقام دستگاه مناقصه‌گزار مکلف است ظرف مدت ۱۵ روز کاری از تاریخ دریافت شکایت مناقصه‌گر به شکایت او رسیدگی کند. نتیجه این رسیدگی از ۳ حال خارج نیست: اولاً، شکایت وارد است. ثانیاً، شکایت وارد نیست و ثالثاً، رسیدگی نکردن به شکایت. بند (الف) ماده ۷ قانون اساسنامه نیز به شاکی تکلیف می‌کند که شکایت خود را در مهلت مقرر

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-20]

قانونی تسلیم کند. بنا به مراتب بالا و نیز براساس تبصره ماده ۵ قانون اساسنامه مراجعه به هیأت منوط به این است که مناقصه‌گر ابتدا در قالب ماده ۲۵ قانون مناقصات، اعتراض مکتوب خود را به بالاترین مقام دستگاه مناقصه‌گزار تسلیم کرده باشد و سپس طبق ترتیبات بعدی مبادرت به تقدیم شکایت در هیأت نماید.

۳. کوتاه بودن مهلت بررسی و اعلام عدم صلاحیت هیأت

برابر بند (ج) ماده ۷ قانون اساسنامه هیأت رسیدگی به شکایات مکلف است در صورتی که ظرف سه روز کاری از دریافت شکایت، خود را صالح برای رسیدگی تشخیص ندهد مراتب را ظرف حداکثر دو روز کاری از طریق دبیرخانه به اطلاع شاکی برساند. شکایات از عدم اجرای قانون برگزاری مناقصه می‌تواند دارای تنوع بسیاری باشد. علی‌الاصول شکایت باید در صلاحیت هیأت باشد و گرنه هیأت نمی‌تواند به هر شکایتی رسیدگی کند. اگر شاکی راجع به موضوعی شکایت کند که مربوط به مناقصه نباشد و یا از مواردی باشد که در صلاحیت هیأت نیست مانند موارد مذکور در ماده ۶ قانون اساسنامه و تبصره یک ماده ۸ قانون برگزاری مناقصات، در این صورت هیأت، تکلیفی به رسیدگی نخواهد داشت و این موضوع را باید ظرف دو روز کاری به اطلاع شاکی برساند. به نظر می‌رسد مهلت سه روزه از زمان دریافت شکایت که برای بررسی صلاحیت هیأت مشخص شده است با توجه به واقعیات نظام اداری کشور، مدت کوتاهی است و هیأت در همه موارد نمی‌تواند این مهلت را رعایت کند.

٤. مشخص نشدن ضمانت اجرای مناسب برای عدم ارائه اطلاعات و مدارک و مستندات از سوی دستگاه مناقصه‌گزار

قانون‌گذار در تبصره ماده ۸ قانون اساسنامه اشعار می‌دارد: خودداری شاکی از ارائه مستندات به هیأت رسیدگی به مفهوم انصراف از شکایت و منتفی شدن است. لیکن خودداری مناقصه‌گزار یا مسئولان ذی‌ربط از ارائه اطلاعات و مدارک و مستندات به هیأت برای رسیدگی به شکایت شاکی مصداق نقض قانون بوده و قابل پیگیری در مراجع ذی‌صلاح است. عبارت قابل پیگیری در مراجع ذی‌صلاح در تبصره ماده ۷ قانون اساسنامه تا حدود زیادی مبهم و نامعلوم است. منظور از قابل پیگیری در مراجع ذی‌صلاح چه نوع پیگیری و در کدام مراجع ذی‌صلاح است؟ به نظر

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-20]

می‌رسد چنین اساسنامه‌ای در خور قانون برگزاری مناقصات نبوده و بسیاری از مواد قانون اساسنامه منطوقاً از اصول قانون‌نویسی فاصله زیادی دارد و مفهوماً از استحکام کافی برخوردار نیست. (ابراهیمی هریسی، ۱۳۹۲: ۴۲۰-۴۱۲)

۵. آثار حقوقی ناشی از صدور هریک از آرای مندرج در تبصره ۲ ماده ۱۰ قانون اساسنامه

رسیدگی به شکایت شاکی در نهایت باید به صدور رأی از ناحیه هیأت منتهی شود. هر گاه هیأت با رعایت بند (ج) ماده ۷ قانون اساسنامه، خود را صالح به رسیدگی موضوع شناخته باشد، سرانجام مکلف به صدور رأی می‌باشد. ماده ۴ آیین‌نامه اجرایی قانون اساسنامه مقرر می‌دارد: نخستین جلسه هیأت باید حداکثر ظرف ۱۵ روز کاری از زمان دریافت شکایت تشکیل شود و هیأت پس از شنیدن نظرات طرفین و بررسی اسناد و مدارک و مستندات مربوط در موارد لغو مناقصه با رعایت تبصره یک ماده ۱۰ اساسنامه، تجدید مناقصه با رعایت تبصره ۱ ماده ۱۰ اساسنامه، رد شکایت، تعلیق قرارداد، فسخ قرارداد، جواز ادامه قرارداد و یا تأیید انصراف از شکایت، رأی صادر خواهد نمود و نیز طبق تبصره ۲ ماده ۱۰ قانون اساسنامه، تعیین خسارت مناقصه‌گران در اثر لغو یا تجدید مناقصه نیز از موارد صدور حکم هیأت می‌باشد. هر یک از آرای فوق دارای آثار حقوقی و اجرایی خاصی می‌باشند که به تشریح ایرادات آنها پرداخته می‌شود.

۱-۵. رأی به لغو مناقصه

برابر بند (خ) ماده یک آیین‌نامه اجرایی قانون اساسنامه، لغو مناقصه عبارت است از: ابطال کامل فرایند برگزاری مناقصه توسط هیأت. اگر تخلف از اجرای قانون برگزاری مناقصات به قدری اساس مناقصه را مخدوش سازد که جز بطلان آن چاره دیگری نباشد، مسلماً مناقصه لغو یا ابطال خواهد شد. باید به این نکته مهم توجه کرد که لغو مناقصه هر چند در بند (ب) ماده ۲۴ قانون برگزاری مناقصات مصوب ۱۳۸۳ نیز به شرح زیر بیان شده است:

۱. نیاز به کالا یا خدمات موضوع مناقصه مرتفع شده باشد؛

۲. تغییرات زیادی در اسناد مناقصه لازم باشد و موجب تغییر در ماهیت مناقصه گردد؛

۳. پیشامدهای غیرمتعارف نظیر جنگ، زلزله، سیل و مانند آنها؛

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-20]

۴. رأی هیأت رسیدگی به شکایات؛

۵. تشخیص کمیسیون مناقصه مبنی بر تبانی بین مناقصه‌گران.

اما از میان موارد فوق‌الذکر موارد ۱، ۲ ، ۳، ۵ مواردی هستند که لغو مناقصه توسط دستگاه انجام می‌شود و نیاز به رأی هیأت مناقصه‌گزار راساً نیست ولی مصادیق مورد ۴ که باید مستند به رأی هیأت باشد، در هیچ جای قانون برگزاری مناقصات یا قانون اساسنامه تصریح نشده است. بنابراین، مواردی که شکایت شاکی و رسیدگی هیأت منتهی به لغو مناقصه شود، باید در آیین‌نامه اجرایی قانون برگزاری مناقصات رأی خود را به طور مستدل مبنی بر لغو مناقصه صادر نماید؛ اما متأسفانه آیین‌نامه اجرایی نیز نه تنها موارد آن را تعیین نکرده بلکه معیار و ضابطه‌ای هم برای لغو مناقصه مقرر ننموده است. پس، هیأت یا هیأت‌ها می‌توانند به تشخیص خود و به هر نحوی که صلاح می‌دانند، مناقصه را لغو و ابطال نمایند و این امر خطرناک است و ممکن است لغو مناقصه، دستخوش امیال و خواسته‌های بی‌ضابطه هیأت‌ها قرار گیرد.

۲-۵. رأی به تجدید مناقصه

بند (الف) ماده ۲۴ قانون برگزاری مناقصات صراحت دارد به این که مناقصه در شرایط زیر تجدید می‌گردد:

۱. کم بودن تعداد مناقصه‌گران از حد نصاب تعیین شده در اسناد مناقصه؛

۲. امتناع برندگان اول و دوم مناقصه از انعقاد قرارداد؛

۳. پایان مدت اعتبار پیشنهادها؛

۴. رأی هیأت رسیدگی به شکایات؛

۵. بالا بودن قیمت‌ها به نحوی که توجیه اقتصادی طرح منتفی گردد.

بند (ح) ماده یک آیین‌نامه اجرایی قانون اساسنامه، تجدید مناقصه را عبارت می‌داند از: تکرار تمام یا قسمت‌هایی از فرایند مناقصه که به تشخیص هیأت مغایر با قوانین و مقررات مربوط بوده است. همان طوری که درخصوص لغو مناقصه گفته شد، موارد ۱ و ۲ و ۳ و ۵ از اختیارات دستگاه مناقصه‌گزار است و مورد مندرج در بند ۴ ماده ۲۴ در صلاحیت هیأت می‌باشد؛ اما چون مصادیق آن و یا ضابطه تجدید مناقصه در قانون و آیین‌نامه اجرایی صریحاً بیان نشده کماکان خطر مذکور در لغو مناقصه در این جا نیز به قوت خود باقی است و احتمال تجدید مناقصه‌های بی‌مورد

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-20]

و بی‌ضابطه از سوی هیأت‌ها منتفی نیست.

۳-۵. رأی به رد شکایت

آیین‌نامه اجرایی قانون اساسنامه، رد شکایت را در بند (ذ) تعریف کرده و می‌گوید: چنان‌چه هیأت پس از بررسی فرایند مناقصه شکایت شاکی را وارد نداند یا علی‌رغم ورود شکایت، ایرادهای مطروحه به گونه‌ای نباشد که براساس قانون و یا سایر قوانین و مقررات مربوط، به اساس اقدامات انجام شده و فرایند رقابت لطمه وارد آورد، هیأت با در نظر گرفتن صرفه و صلاح دولت نسبت به صدور رأی رد شکایت اقدام می‌کند. اگر شکایت شاکی مبتنی بر دلایل و مستندات کافی نباشد و یا مناقصه‌گزار در مقابل مستندات شاکی دلایلی ارائه کند که مدارک شاکی را خنثی سازد و بالجمله شکایت شاکی قابل اثبات نباشد، رأی هیأت مبتنی بر رد شکایت شاکی خواهد بود. از این رو، ماده ۱۰ قانون اساسنامه اشعار می‌دارد: هیأت می‌تواند رأی خود را مبنی بر لغو مناقصه برگزار شده یا تجدید آن صادر یا این که نظر خود مبنی بر رد شکایت را اعلام کند. به نظر می‌رسد بهتر بود آیین‌نامه اجرایی موارد و معیار رد شکایت را نیز به روشنی اعلام می کرد تا هیأت نتواند به دلخواه خود و به بهانه صرفه و صلاح دولت اقدام به رد شکایت شاکی نماید.

٤-۵. رأی به تعلیق قرارداد

قرارداد با برنده مناقصه منعقد می‌شود. ماده ۲۱ قانون برگزاری مناقصات دراین باره می‌گوید:

الف. قرارداد با برنده مناقصه، باید پیش از پایان مدت اعتبار پیشنهاد منعقد شود. این مدت حداکثر برای یک‌بار و برابر مدت پیش‌بینی شده در اسناد مناقصه قابل تمدید است. بعد از عقد قرارداد تضمین پیشنهاد دهنده دوم مسترد می‌گردد.

ب. قرارداد با برنده اول در مهلت پیش‌بینی شده در اسناد، منعقد خواهد شد. چنان‌چه برنده اول از انعقاد امتناع نماید و یا ضمانت انجام تعهدات را ارائه ننماید، تضمین مناقصه وی ضبط و قرارداد با برنده دوم منعقد می‌گردد. در صورت امتناع نفر دوم، تضمین وی نیز ضبط و مناقصه تجدید خواهد شد. انعقاد قرارداد به معنای پایان مناقصه و ورود به مرحله جدیدی است که با امضای قرارداد اجرای آن آغاز می‌شود. چون مبنای قرارداد براساس فرایند مناقصه ایجاد شده لذا قانون‌گذار اراده کرده که هرگاه جریان برگزاری مناقصه به قدری تخلف‌آمیز باشد که از مرحله

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-20]

مناقصه گذشته و نتوانسته لغو یا تجدید مناقصه را ایجاب کند، به ناچار بـه آثـار آن کـه تشـکیل قرارداد است، نیز سرایت کند. از این رو، تبصره ۱ ماده ۱۰ قانون اساسـنامه تصـریح مـی‌کنـد: در صورتی که قرارداد مربوط به معامله مورد اعتراض، منعقـد شـده باشـد و هیـأت شـکایات را وارد تشخیص دهد، موظف است در رأی صادره به صراحت نسبت به تعلیق ... قرارداد اعلام نظر کند. تعلیق قرارداد یعنی معلق ماندن آثار قرارداد تا این که تکلیف آن بعداً مشخص شود. کما این کـه بند (ر) ماده یک آیین‌نامه اجرایی قانون اساسنامه، توقف موقت اجرای قرارداد را تنهـا منـوط بـه رأی صادره از هیأت محدود نموده است. به هر حال باید تکلیف درستی یا نادرسـتی مناقصـه بـه تبع آن تکلیف صحت و سقم قرارداد، روشن شود.

۵-۵. رأی به فسخ قرارداد

فسخ قرارداد از موارد انحلال قرارداد است. انحلال قرارداد به ۳ سبب قابل تحقق می‌باشـد: اولاً، اقاله یا تفاسخ، ثانیاً، فسخ و ثالثاً، انفساخ. فسخ قرارداد به معنای انحلال و بر هـم زدن عقـد لازم است. اساساً پس از انعقاد قرارداد، هیچ یک از طرفین حق فسخ قـرارداد را نـدارد مگـر در مـوارد معینه که موارد معین در قانون مدنی پیش‌بینی شده است ولی در کمال ناباوری، قـانون‌گـذار در تبصره یک ماده ۱۰ قانون اساسنامه، حق فسخ را در اختیار هیأت قـرار داده اسـت. حـال آن کـه چنین حقی همان طوری که گفتیم از اختیارات طرفین قرارداد اسـت، نـه شـخص ثالـث (هیـأت رسیدگی به شکایات). به نظر قانون‌گذار در این ماده راه خطا پیموده و به جای حکـم بـه ابطـال قرارداد با نادیده گرفتن اصول و قواعد حقوقی به جای استعمال واژه ابطال از واژه فسـخ اسـتفاده کرده است. از همه جالب‌تر این که آیین‌نامه اجرایـی قـانون اساسـنامه در بنـد (د) مـاده یـک در تعریف فسخ می‌گوید اعلام یک طرفه خاتمه قرارداد که با قصور یـا بـدون قصـور طـرف مقابـل کارفرما صورت گیرد. واقعیت این است که عدم تسلط به مبانی حقوقی باعث شده که قانون‌گـذار بدون توجه به اصول و قواعد حقوقی و آثار هر یک از آنها به مواردی اشاره کند که می‌تواند برای اهل فن اعجاب‌انگیز باشد و موجب استعمال واژه فسخ به جای ابطال گردد ولی قانون‌گـذار تنهـا در مقام تقنین می‌تواند به ابطال آن حکم کنـد؛ زیـرا فسـخ منبعـث و برخاسـته از اراده یکـی از طرفین در یک رابطه حقوقی است. (ابراهیمی هریسی، ۱۳۹۲: ۴۵۲ -۴۳۰)

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-20]

٦-۵. رأی به جواز ادامه قرارداد

نظر به این که در استعمال کلمات، عبارات و جملات و به طور کلی در انشای قانون، قانون‌گذار اصول فقه و قواعد قانون‌نویسی را ملحوظ نظر قرار نداده لذا در تبصره یک ماده ۱۰ و انشای عبارات، از عبارت نامأنوس جواز ادامه قرارداد استفاده کرده است. بنابراین شایسته بود تبصره یک ماده ۱۰ به نحو زیر نوشته می‌شد: در صورتی که برگزاری مناقصه منتهی به انعقاد قرارداد گردد، در اثر شکایت شاکی، هیأت می‌تواند رأی به تعلیق یا ابطال قرارداد صادر نماید. به بیان دیگر، طبق ماده ۲۲۳ قانون مدنی، اصل بر صحت قراردادها است؛ بنابراین بطلان یا تعلیق آن نیاز به دلیل متقن و معتبر دارد. جواز، از موارد صحت محسوب می‌شود. پس ضرورتی ندارد که هیأت، رأی به جواز یا صحت آن صادر کند. اصل با رأی تثبیت نمی‌شود؛ زیرا صحت، با اصل تثبیت شده است و آنچه باید با دلیل اثبات شود، بطلان است، نه صحت. ملاحظه می‌شود که تبصره موصوف به صورت ناروشن و بدون لحاظ قواعد حقوقی انشا شده است.

۷-۵. رأی به تأیید انصراف از شکایت

ممکن است در جریان رسیدگی به شکایت مثل همه شکایت‌های دیگر، شاکی از شکایت خود منصرف شود، در این صورت ادامه رسیدگی به شکایت منطقی به نظر نمی‌رسد؛ اما آیا ضرورتی داشته که در آیین‌نامه اجرایی قانون اساسنامه، به این امر تأکید شود که هیأت رأی به تأیید انصراف از شکایت صادر کند. این از بدیهیأت است که در صورت انصراف شاکی، هیأت مبادرت به مختومه نمودن شکایت و پرونده می‌نماید.

۸-۵-۵. رأی به تعیین خسارت مناقصه‌گران در اثر لغو و تجدید مناقصه

تبصره ۲ ماده ۱۰ قانون اساسنامه مقرر می‌دارد: هرگاه هیأت به دلیل تقصیر مناقصه‌گزار در اجرای موارد مقرر در قانون برگزاری مناقصات، رأی به تجدید یا لغو مناقصه صادر کند. باید میزان خسارتی را که از تجدید یا لغو متوجه شرکت‌کنندگان در مناقصه می‌شود از طریق کارشناسان رسمی تعیین کند و دستگاه مناقصه‌گزار مکلف است معادل آن خسارت را به شرکت‌کنندگان بپردازد. به نظر می‌رسد با تصویب قانون اساسنامه، صلاحیت هیأت بیش از وظایف او در قانون برگزاری مناقصات توسعه یافته و صدور حکم به جبران خسارت را نیز در بر

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-20]

گرفته است. گرچه نفس این صلاحیت بسیار بجا و عدالت منشانه است؛ اما اجرای آن ممکن است واجد پیچیدگی‌هایی باشد که قانون‌گذار به تبعات آن توجه نکرده است. چرا که در صورت صدور حکم مبنی بر پرداخت خسارت ناشی از لغو یا تجدید مناقصه از ناحیه مناقصه‌گزار به مناقصه‌گر چنان چه مناقصه‌گزار به اجرای آن تن ندهد چه ضمانت اجرایی برای آن وجود دارد؟ وانگهی، نحوه اجرای حکم هیأت علیه مناقصه‌گزار به چه ترتیب خواهد بود؟ تأمین اعتبار این خسارت از نظر رعایت قانون محاسبات عمومی کشور چگونه خواهد بود؟ انتظار می‌رفت آیین‌نامه اجرایی قانون اساسنامه بتواند به پرسش‌های بالا پاسخ قانونی دهد؛ اما آیین‌نامه موصوف نه فقط به این مهم نپرداخته بلکه حجم عمده‌ای از آن، صرف تعاریفی شده که یا بدون کاربرد است و یا تعاریفی در حد بدیهیات که ضرورتی به آن نبود.

٦-٥. تناقض میان بند (ج) ماده ۲۵ قانون برگزاری مناقصات با تبصره ۳ ماده ۱۰ قانون اساسنامه

بند (ج) ماده ۲۵ قانون برگزاری مناقصات راجع به رأی هیأت می‌گوید: در صورت عدم پذیرش نتیجه توسط شاکی، هیأت رسیدگی به شکایات، موضوع را بررسی و رأی قطعی را در ۱۵ روز اعلام خواهد کرد. در صورت اعتراض هر یک از طرفین، موضوع جهت رسیدگی قانونی به مراجع ذی‌صلاح ارجاع می‌شود و فرایند برگزاری مناقصه نیز روال معمول خود را طی خواهد کرد. از سوی دیگر، تبصره ۳ ماده ۱۰ قانون اساسنامه، اشعار می‌دارد: رأی هیأت در خصوص چگونگی فرایند برگزاری مناقصه، قطعی و لازم‌الاجرا است. هر دو قانون بر قطعیت رأی هیأت، تأکید می‌ورزند، با این تفاوت که قانون اساسنامه، برای قطعیت رأی هیأت، قید درخصوص چگونگی فرایند برگزاری مناقصه را بدان افزوده ولی قانون برگزاری مناقصات اعتراض به رأی هیأت را مانع از ادامه فرایند برگزاری مناقصه نمی‌داند. با این حال معلوم نیست، مقصود از چگونگی فرایند برگزاری مناقصه چیست؟ آیا منظور اجرا نشدن هر یک از مواد قانون است یا فقط موارد مندرج در ماده ۹ قانون برگزاری مناقصات است که متکفل بیان فرایند برگزاری مناقصات می‌باشد؟ و اگر غیر از موارد ماده ۹ قانون مزبور باشد، آیا رأی هیأت غیرقطعی است؟ به هر حال، حکم قانون‌گذار در این خصوص مجمل و مبهم است. با توجه به بند (ج) ماده ۲۵ قانون برگزاری مناقصات و تبصره ۲ ماده ۱۰ قانون اساسنامه، قدر متیقن این است که رأی هیأت برای مناقصه‌گزار و

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-20]

مناقصه‌گر از حیث اجرای آن قطعی است. مع‌الوصف، چون بند (ج) ماده ۲۵ قانون برگزاری مناقصات رأی هیأت را در صورت اعتراض هر یک از طرفین مناقصه‌گر و مناقصه‌گزار قابل ارجاع و رسیدگی در مراجع ذی‌صلاح می‌داند؛ بنابراین ظاهراً نمی‌توان بر قطعیت رأی هیأت صحه نهاد. بلکه باید اذعان کرد که رأی هیأت علی‌الظاهر برای هر دو طرف غیرقطعی است. پرسشی که در این میان طرح است، این است که: مرجع رسیدگی به حکم غیرقطعی هیأت کجاست؟ در این مورد هر دو قانون ساکت است؛ زیرا بند (ج) ماده ۲۵ قانون برگزاری مناقصات با استعمال عبارت مراجع ذی‌صلاح رأی هیأت را قابل اعتراض می‌داند و انتظار می‌رفت قانون اساسنامه که از نظر تاریخ تصویب، مؤخر بر قانون برگزاری مناقصات است، این سکوت و ابهام قانون برگزاری مناقصات را بر طرف می‌کرد که نکرده است. با این حال، شاید آیین‌نامه قانون اساسنامه این نقیصه را می‌توانست ترمیم کند که متأسفانه آن هم نکرده است. هر چند قانون برگزاری مناقصات مرجع تجدید نظر از آرای هیأت را تعیین نکرده و به عبارت گنگ موضوع جهت رسیدگی قانون به مراجع ذی‌صلاح ارجاع می‌شود اکتفا کرده است؛ اما از این عبارت می‌توان چنین استنباط کرد که چون تصمیم هیأت یادشده یک تصمیم اداری است و هر شخصی می‌تواند از تصمیمات مراجع و مقامات اداری به دیوان عدالت اداری شکایت کند لذا تنها مرجع تجدید نظر از آرای هیأت، دیوان عدالت اداری است. رسیدگی دیوان عدالت اداری در مقام تجدید نظر از آرای هیأت، با یک مشکل عمده روبه روست و آن این است که: در پایان بند (ج) ماده ۲۵ قانون برگزاری مناقصات پس از ذکر عبارت گنگ فوق‌الاشعار ادامه می‌دهد و فرایند برگزاری مناقصه نیز روال معمول خود را طی خواهد کرد. از این عبارت می‌توان چنین استنباط کرد که به طور کلی اعتراض به رأی هیأت مانع از ادامه فرایند برگزاری مناقصه نیست؛ اما این حکم از قانون با این مشکل مواجه است که اگر رسیدگی به اعتراض در دیوان عدالت کمتر از یکسال نیست، در آن صورت چگونه می‌توان انتظار داشت که پیش از قطعیت حکم در دیوان، فرایند برگزاری مناقصه روال معمول خود را طی کند؟ آیا بهتر نبود محکوم علیه رأی هیأت، مکلف به تمکین از رأی هیأت می‌شد؟ شاید به همین دلیل بتوان تبصره ۳ ماده ۱۰ قانون اساسنامه را در مورد قطعی بودن رأی هیأت درخصوص چگونگی فرایند مناقصه، ناسخ بند (ج) ماده ۲۵ قانون برگزاری مناقصات دانست که به هر حال رأی هیأت قطعی است. (ابراهیمی هریسی،۱۳۹۲: ۴۸۳-۴۶۲)

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-20]

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در این پژوهش به ایرادات حقوقی مربوط به مناقصه، مناقصه‌گر، مناقصه‌گزار و نیز مجموعه نواقص قانونگذاری در رسیدگی عادلانه به انواع شکایات ناشی از برگزاری یک مناقصه اشاره گردیده است که تفصیل هر یک از آنها مورد بحث واقع شد. ایرادات حقوقی مزبور با مواد قانونی مورد اشاره در قانون برگزاری مناقصات به قرار ذیل است:

نقص جریان اطلاع‌رسانی در فرایند برگزاری یک مناقصه (ماده ۲۳ قانون برگزاری مناقصات)، امکان تغییر در کمیت و کیفیت موضوع مناقصه (بند ۲ ماده ۱۰ آیین‌نامه معاملات دولتی)، عدم وجود تفکیک قیمت معاملات خدمات و خدمات ساختمان از تدارکات کالایی (تبصره ۱ ماده ۳ قانون برگزاری مناقصات و ماده ۴۲ قانون الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت ۲ مصوب ۱۳۹۳)، عدم انتشار دستورالعمل‌ها و بخشنامه‌های دستگاه‌های اجرایی، ایجاد موانع غیرضروری در ارزیابی فنی بازرگانی (ماده ۱۹ قانون برگزاری مناقصات ایران)، در نحوه ارزیابی کیفی مناقصه‌گر (آیین‌نامه اجرایی بند (ج) ماده (۱۲) قانون برگزاری مناقصات مصوب ۱۳۸۳)، در نحوه ارزیابی مالی مناقصه‌گر (ماده ۲۰ ، بند (ب) ماده ۱۳ ، بند (الف) ماده ۱۳ ، بند (ب) ماده ۱۵ و ماده ۱۴ قانون برگزاری مناقصات)، عدم پیش‌بینی مشارکت جدی، مؤثر، آگاهانه و بی‌طرفانه تشکل‌های صنفی در یک مناقصه (بند۴ ماده ۱۹ قانون برگزاری مناقصات)، عدم وجود ساز و کار نظارتی بر شرکت‌های شبه دولتی به عنوان مناقصه‌گر، امکان انتخاب مناقصه‌گر براساس کمترین قیمت (ماده ۲۰ قانون برگزاری مناقصات)، ابهام در ارتباط میان بند (د) ماده ۲۰ قانون برگزاری مناقصات مصوب ۱۳۸۳ با مفاد ۴ و ۵ قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی در تأمین نیازهای کشور و تقویت آنها در امر صادرات مصوب ۱۳۹۱، آزادی انتخاب روش اجرای مناقصه (ماده ۲۹ قانون برگزاری مناقصات)، ابهام در تعیین دستگاه‌های مشمول قانون برگزاری مناقصات مصوب ۱۳۸۳ به عنوان مناقصه‌گزار (بند (ب) ماده ۱ قانون برگزاری مناقصات)، امکان اعمال سلیقه و صدور بخشنامه‌های متناقض سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، عدم توجه به جایگاه آیین‌نامه اجرایی در مقایسه با قانون (تبصره ۳ ماده ۴ آیین‌نامه اجرایی قانون اساسنامه)، عدم مطابقت فرایند طرح شکایت مقرر در آیین‌نامه اجرایی با قانون برگزاری مناقصات (بند (الف) ماده ۲۵ قانون برگزاری مناقصات)، کوتاه بودن مهلت بررسی و اعلام عدم صلاحیت هیأت (ماده ۶

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-20]

قانون اساسنامه و تبصره یک ماده ۸ قانون برگزاری مناقصات)، مشخص نشدن ضمانت اجرای مناسب برای عدم ارائه اطلاعات و مدارک و مستندات از سوی دستگاه مناقصه‌گزار (تبصره ماده ۸ قانون اساسنامه)، آثار حقوقی ناشی از صدور هر یک از آرای مندرج در تبصره ۲ ماده ۱۰ قانون اساسنامه (بند (ج) ماده ۷ قانون اساسنامه، ماده ۴ آیین‌نامه اجرایی قانون اساسنامه، تبصره یک ماده ۱۰ اساسنامه، تبصره ۲ ماده ۱۰ قانون اساسنامه)، تناقض میان بند (ج) ماده ۲۵ قانون برگزاری مناقصات با تبصره ۳ ماده ۱۰ قانون اساسنامه.

حاصل سخن اینکه، قانون برگزاری مناقصات مصوب ۱۳۸۳ که نقطه عطفی در برخورد علمی با موضوع خریدهای دولتی محسوب می‌شود و نقش مؤثری در ایجاد رویه واحد در برگزاری مناقصات در دستگاه‌های اجرایی مختلف دارد با وجود ایراداتی که در این قانون و قوانین و مقررات مرتبط با آن وجود دارد، در تحقق اهداف قانونگذار از وضع این قانون از جمله تضمین سلامت خریدهای دولتی و مقابله با فساد در برگزاری مناقصات توفیق حداکثری نخواهد داشت. از این رو، انتظار می‌رود قانونگذار با استفاده از تجربه‌های مفید بین‌المللی در رفع کاستی‌های این قانون بکوشد. در همین خصوص توجه به پیشنهادهای زیر می‌تواند سودمند باشد:

جلوگیری از توجه شکلی دستگاه‌های مشمول به قانون برگزاری مناقصات، پیش‌بینی محدودیت‌هایی در راستای جلوگیری از حجم بالای مناقصات به طریق ترک تشریفات مناقصه، آماده‌سازی زمینه‌های حضور پیمانکاران و توجه به منافع صنفی آنها و احقاق حقوق آنها و منافع ملی، رسیدگی به بسترهای فسادآمیز و شرایط زمینه‌ساز وقوع جرم با هدف جلوگیری از بروز فساد در جریان برگزاری مناقصات، رفع الزام قانون مناقصات به حضور رئیس دستگاه اجرایی در کمیسیون مناقصات و در مناقصات دو مرحله‌ای که عملاً امکان‌پذیر نمی‌باشد. حمایت‌های قضایی بیشتر از مناقصه‌گران برای طرح شکایات خود در مراجع ذی‌صلاح، اصلاح ابهامات قانون و مقررات اجرایی قانون توسط مراجع ذی‌صلاح به منظور جلوگیری از تفسیرهای ناروا توسط دستگاه‌های دولتی به نفع خود و به ضرر مناقصه‌گران.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-20]

فهرست منابع

اسماعیلی هریسی، ابراهیم (۱۳۸۷)؛ شرح و تفسیر قانون برگزاری مناقصات، تهران: انتشارات دادگستر.
اسماعیلی هریسی، ابراهیم (۱۳۹۲)؛ حقوق صنعتی احداث، تهران: انتشارات دادگستر.
انصاری، ولی اله (۱۳۸۷)؛ حقوق قراردادهای اداری، چاپ چهارم، تهران: انتشارات حقوقدان.
آریان پور کاشانی، منوچهر (۱۳۷۹)؛ فرهنگ ۱ جلدی پیشرو آریان‌پور، چاپ هجدهم، تهران، انتشارات جهان رایانه.
باقرزاده، حمید (۱۳۹۲)؛ حقوق مناقصات، مبانی ماهیت، چاپ اول، تهران، انتشارات میزان.
جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۷۰)؛ ترمینولوژی حقوق، چاپ پنجم، تهران، انتشارات گنج سخن.
طباطبائی مؤتمنی، منوچهر(۱۳۷۳)؛ حقوق اداری، چاپ دوم، تهران: انتشارات سمت.
محتشم دولتشاهی ، طهماسب، (۱۳۸۲)؛ مبانی علم اقتصاد، تهران: انتشارات خجسته .
میلانی‌زاده، علیرضا (۱۳۸۶)؛ مدیریت و راهبرد مناقصات، چاپ اول، تهران: انتشارات میلان افزار.
الوانی، سیدمهدی و نصرا... میرشفیعی (۱۳۷۸)؛ مدیریت تولید، چاپ دهم، مشهد: نشر آستان قدس رضوی.
اسماعیلی هریسی، ابراهیم (۱۳۹۱)؛ «اعتراضات، شکایات مناقصات و تخلفات در قانون برگزاری»، روزنامه مناقصه مزایده، سال ۷، شماره ۷۷۴.
خیرخواهان، جعفر(۱۳۹۰)؛ «گزارش تدارکات (لجستیک) تجاری در اقتصاد جهانی از تداخل تا تدارک»، ماهنامه اقتصاد ترابری ایران، منبع سایت اینترنتی: http://www.tarabaranmag.ir/702
سادات، حمید (۱۳۹۱)؛ «انحصار در برگزاری تدارکات چیست؟»، روزنامه مناقصه مزایده، سال ۷، شماره ۸۰۲.
باقری، علی (۱۳۹۱)؛ «لابی‌گری بلای جان مناقصات»، روزنامه مناقصه مزایده، سال ۷، شماره ۸۴۹۳.
طاهری، میثم (۱۳۹۱)؛ «لزوم مشارکت مناقصه‌گزاران دولتی در ساماندهی مناقصات»، روزنامه مناقصه مزایده، سال ۸، شماره ۸۹۰.
ـــــــــــ (۱۳۹۱)؛ «عامل سرگردانی مناقصه‌گران، بخشنامه‌های متناقض»، روزنامه مناقصه مزایده، سال ۸، شماره ۸۶۸.
عبداللهی، رضا (۱۳۹۱)؛ «ضرورت کاهش وظایف تصدی‌گری دولت و نقش قانون مناقصات در این زمینه»، روزنامه مناقصه مزایده، سال ۷، شماره ۷۴۶.
علیخانی، حمید و ابوالفضل معصوم‌زاده زواره (۱۳۸۷)؛ «مفاهیم و الگوهای خرید سازمانی با رویکرد خرید در سازمان‌های دولتی»، نشریه بررسی‌های بازرگانی، شماره ۳۲.
محسنی، عباس (۱۳۸۲)؛ «تاریخچه معاملات دولتی در ایران»، نشریه مجلس و پژوهش، شماره ۳۹.
قراباغی، علیرضا (۱۳۸۶)؛ « قانون مناقصات، گامی در جهت سالم‌سازی وکوچک‌سازی دولت»، نشریه ماهنامه صنعت برق، شماره ۱۳۰.
مرادخانی، محمد (۱۳۹۱)؛ «در صورت عدم برگزاری مناقصه با متخلف چه برخوردی خواهد شد»، روزنامه مناقصه

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-20]

مزایده، سال ۷، شماره ۷۲۶.
میرزانی، قباد (۱۳۹۱)؛ «بررسی و ارزیابی اصول بنیادین حاکم بر طرح برگزاری مناقصات»، روزنامه مناقصه مزایده، سال ۷، شماره ۷۴۰.
وفا، مهرداد (۱۳۸۹)؛ «چالش های اجرایی در فرایند مناقصه‌گذاری»، نشریه مدیریت تدبیر، شماره ۲۲۶.
یزدانی، صادق (۱۳۹۱)؛ «مکانیزم ارزیابی مالی مناقصات حلقه مفقوده در قانون برگزاری مناقصات»، روزنامه مناقصه مزایده، سال ۷، شماره ۸۵۶.
میزگرد ویژه (۱۳۹۰)؛ «علل ناکارامدی مقررات در فرایند مناقصات»، نشریه توسعه.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-20]